

زیارت عاشورا کلید حل مشکلات



محمدتقی صرفی پور

مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم را که حسین علیه السلام را افرید تا بوسیله او عده زیادی هدایت شوند و با توسل به او مشکلات و حاجتهای مردم برآورده گردد و سلام و صلوات بر محمد مصطفی و آل اطهرش.

امام حسین علیه السلام شخصیت بی نظیر عالم خلقت است که در خداشناسی و در انسان شناسی خیلی روی بشریت تاثیر گذاشته اند و این تاثیر تا روز قیامت ادامه دارد.

امام حسین علیه السلام با حماسه عظیم خود در کربلا درسهای بزرگی به بشریت دادند و توانستند آموزگار بشریت بشوند.

امام حسین علیه السلام عده زیادی را هدایت کردند و هدایت می کنند. بسیاری از انقلابات علیه حکام بنی امیه و

بنی عباس و دیگر پادشاهان ظالم حتی قیامهای مردم
هندوستان علیه استعمار پیر انگلیس و کشورهای
دیگر، برگرفته از قیام حسینی بوده است .

و همان گونه که پیامبر خدا ص فرمودند . حقیقتا حسین
چراغ هدایت و کشتی نجات هستند.

منزلگه عشاق دل آگاه حسین است.....بیراهه نرو ساده ترین راه حسین است
از مردم گمراه جهان راه مجوید.....نزدیکترین راه به الله حسین است

یکی از راههای ارتباط با امام حسین علیه السلام ،خواندن روزانه زیارت عاشورا
می باشد

که از طرف خود خداوند بیان شده است.(محدّث نوری، از استادان

مرحوم شیخ عباس قمی میگوید: «در فضل و مقام زیارت عاشورا
همین بس که از سنخ دیگر زیارت‌ها نیست که به ظاهر از انشا و
املاي معصومي باشد. هر چند از قلوب پاک ایشان چیزی جز آنچه
از عالم بالا به آنجا برسد، بیرون نمی‌آید، ولی این زیارت از سنخ
احادیث قدسیّه است که به همین ترتیب زیارت و لعن و سلام و دعا
از خدای متعالی به جبرئیل امین و از او به خاتم النبیین
صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسیده است و به حسب تجربه، مداومت به

آن در چهل روز یا کمتر، در برآوردن حاجات و رسیدن به مقاصد و «دفع دشمنان بی نظیر است».

تا مردم با این زیارت به خداوند عظیم تقرب بجویند و از پادشاهای فراوانی
برای خواندن زیارت عاشورا در نظر گرفته شده است بهره مند بشوند.

فواید خواندن زیارت عاشورا از دیدگاه ائمه:

امام محمد باقر(ع) به علقمه فرمود: پس از آنکه به آن حضرت با سلامی
اشاره کردی، دو رکعت نماز بخوان و سپس زیارت عاشورا را بخوان. هنگامی
که این زیارت را خواندی در حقیقت او را به چیزی خواندی که هر کس از
ملائیکه که بخواهند او را زیارت کنند، به آن می خوانند و خداوند برای تو هزار
هزار حسنه می نویسد و از تو هزار هزار سیئه محو می نماید و تو را هزار
هزار مرتبه بالا می برد و همانند کسانی می باشی که در رکاب آن حضرت
به شهادت رسیدند. حتی در درجات آنها هم شریک می شوی. (۱)

امام صادق(ع) به صفوان می فرماید: زیارت عاشورا را بخوان و از آن مواظبت
کن، به درستی که من چند خیر را برای خواننده آن تضمین می کنم، اول
زیارتش قبول شود. دوم سعی و کوشش او شکور باشد. سوم حاجات او
هرچه باشد از طرف خداوند بزرگ برآورده شود و نا امید از درگاه او برنگردد
زیرا خداوند وعده خود را خلاف نخواهد کرد. (۲)

فضائل زیارت عاشورا (برگرفته از کتاب عاشورا و قیام امام حسین) :

اول: ثواب دوازده هزار حج.
دوم : ثواب هزار هزار جهاد .
سوم: ثواب دو هزار هزار عمره ; که همه آنها را با حضرت رسول (صلی الله

¹کامل الزیارات- ص ۷۴

²بحارالانوار-جلد ۹۸-ص ۳۰۰

علیه وآله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) بجا آورده باشد .
چهارم: ثواب مصیبت هر پیامبری از اولین تا آخرین .
پنجم: ثواب مصیبت هر رسولی .
ششم: ثواب مصیبت هر وصیی تا روز قیامت .
هفتم: ثواب مصیبت هر صدیقی تا روز قیامت .
هشتم: ثواب هر شهیدی تا روز قیامت .
نهم: بلندی مقام او صد هزار هزار درجه .
دهم: نوشته شدن هزار هزار حسنه

...9

رسیدن به خواسته ها و حوائج:

صفوان گوید: حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود:

ای صفوان! هر گاه تو را نزد خدای متعال حاجتی بود، پس زیارت کن اباعبدالله حسین (علیه السلام) را به این زیارت، در هر مکانی که هستی و بخوان دعای بعد از آن را و از پروردگار خویش حاجت را بخواه، زیرا برآورده و مستجاب خواهد شد. خداوند متعال در وعده ای که به رسول خود داده، خلاف نفرموده است.

سفارش ولی عصر عجل الله تعالی فرجه: در حکایت تشریف جناب حاج سید احمد رشتی به خدمت حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - در سفر حج، آن حضرت فرمود: «چرا شما عاشورا نمی خوانید؟! عاشورا عاشورا عاشورا!!!»

بهترین کیفیت خواندن زیارت عاشورا بر اساس روایتی که از امام صادق(ع) نقل

کرده‌اند، به قرار زیر است:

۱. غسل زیارت کردن در اوّل روز؛

۲. رفتن به صحرا یا محلی مرتفع؛

۳. اشاره کردن به سوی «کربلا»؛

۴. لعن فراوان بر قاتلان امام حسین(ع) نمودن؛

۵. تکبیر گفتن؛

۶. زیارت امین الله یا زیات ششم امیرالمؤمنین(ع) خواندن؛

۷. دو رکعت نماز زیارت به جای آوردن؛

۸. زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام خواندن؛

۹. دو رکعت نماز زیارت به جای آوردن؛

۱۰. دعای علقمه خواندن.

امام صادق(ع) تضمین کرده که هر کس این زیارت را به این کیفیت بخواند، زیارتش قبول، سعی‌اش مشکور، دعایش مستجاب، حاجتش روا و سلامش به محضر سیدالشهداء(ع) واصل گردد

آنگاه پس از آنکه پاداش زیارت عاشورا را هزار هزار حج، هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد در محضر رسول خدا(ص) بیان می‌کنند، می‌فرمایند
اگر بتوانی در همه عمر همه روزه این زیارت را بخوانی، انجام بده، که همه این «پاداش‌ها از آن تو خواهد بود
و در پایان می‌فرمایند: «هرگاه تو را حاجتی پیش آید، این زیارت را با این دعا بخوان و به این وسیله به سوی خدا توجّه کن، که البته حاجتت برآورده می‌شود». و بی‌گمان خداوند خلف وعده نمی‌کند^۳

ای کاش هر روز زیارت عاشورا می‌خواندم:

عالم جلیل، شیخ عبدالهادی حائری مازندرانی از والد خود (حاجی ملا ابوالحسن)

نقل کرده است که من حاج میرزا علی نقی طباطبائی را بعد از رحلتش در خواب

دیدم، و به او گفتم: آیا آرزویی داری؟ گفت: یک آرزو دارم و آن این است که

چرا در دنیا هر روز «زیارت عاشورا» نخواندم. رسم سید این بود که در تمام دهه

اول محرم، زیارت عاشورا می خواند، ولی بعد از مرگ، افسوس می خورد که چرا در تمام ایام سال، موفق به این زیارت نبوده است.

مرحوم علامه امینی و زیارت عاشورا:

دکتر محمد هادی امینی - فرزند علامه - می نویسد:
پس از گذشت چهار سال از فوت پدرم، در شب جمعه ای قبل از اذان صبح، پدرم را در خواب دیدم و او را بسیار شاداب خرسند یافتم. جلو رفته و پس از سلام و دست بوسی گفتم: پدر جان در آن جا چه عملی باعث سعادت و نجات شما گردید؟

پدرم گفت: چه می گویی؟

مجدادا عرض کردم: آقا جان! در آن جا که اقامت دارید، کدام عمل، موجب نجات شما شد؟ کتاب الغدير يا ساير تالیفات؟ يا تاسیس و بنیاد کتابخانه امیرالمؤمنین (علیه السلام)؟

پدرم پاسخ داد: نمی دانم چه می گویی، قدری واضح تر و روشن تر بگو.

گفتم: آقا جان! شما اکنون از میان ما رخت بر بسته اید و به جای دیگر منتقل شده اید در آن جا که هستید کدامین عمل، باعث نجات شما گردید؟ مرحوم علامه امینی، تاملی نمود و سپس فرمود: فقط زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام). عرض کردم: شما می دانید اکنون روابط ایران و عراق تیره و راه کربلا، بسته است، برای زیارت چه کنیم؟

فرمود: در مجالس و محافلی که جهت عزاداری امام حسین (علیه السلام) بر پا می شود، شرکت کنید: ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) را به شما می دهند.

سپس فرمود: پسر جان! در گذشته بارها تو را یادآور شدم و اکنون نیز توصیه می کنم که «زیارت عاشورا» را به هیچ عنوان ترک مکن.

زیارت عاشورا را دائم بخوان و بر خودت وظیفه بدان. این زیارت، دارای آثار و برکات و فواید بسیاری است که موجب نجات و سعادت مندی تو در دنیا و آخرت می باشد، و امید دعا دارم.

فرزند مرحوم علامه امینی می نویسد: علامه امینی، با کثرت مشاغل و تالیفات و مطالعات، مواظبت کامل بر خواندن زیارت عاشورا داشت و سفارش به خواندن زیارت عاشورا می نمود و بدین جهت، خودم سی سال است بر خواندن زیارت عاشورا، موفق می باشم.

نعمت دنیا و غفلت از زیارت عاشورا:

آقای سید علی موحد ابطحی اصفهانی نقل می کند که در ماه صفر ۱۴۰۹ ه.ق به شیراز رفتم. میزبان من - آقای حاج مسیح - می گفت: سی سال است که به طور مرتب، زیارت عاشورا می خوانم و دختری دارم که شوهرش سید است و در دزفول زندگی می کند. چندی قبل، توسط نامه، درخواست کرده بود که در صورت امکان، منزلی برای آنها در شیراز تهیه کنم و ما هرچه فعالیت کردیم وسیله اش فراهم نمی شد. خیلی متاثر بودم که اینها از ما تقاضایی کرده اند و نتوانستم برآورده کنم. تا اینکه در روز تولد امام هشتم، حضرت رضا (علیه السلام) در جلسه توسلی شرکت کردم و در حال گریه، حاجتم را عرضه داشتم.

چند روز بعد، خواهرم آمد و گفت: در عالم رویا، آقای بزرگواری را دیدم که زمین هایی را تفکیک می

کرد و قطعه ای از آن زمین ها را هم برای شما در نظر گرفت. بعد از مدتی، قطعه ای زمین به مبلغی ناچیز به ما واگذار شد و مشغول ساختمان سازی شدیم. چند روز گذشت و بر اثر مشاغل زیاد، نتوانستم زیارت عاشورای هر روزه را بخوانم. روزی اول صبح، دخترم از دزفول تلفن زد و گفت:

پدر! زیارت عاشورا را ترک کرده ای؟ گفتم: چطور؟ گفت: خواب دیدم حضرت امام حسین (علیه السلام) در صحن و سرایی بسیار مجلل حضور دارند و در اطراف ایشان شخصیت ها و بزرگانی به چشم می خورند. پرسیدم این ها کیستند؟ جواب دادند: این ها علاقمندان به اباعبدالله الحسین (علیه السلام) هستند. من در همان عالم خواب، در بین آنها جستجو کردم که شما را پیدا کنم، ولی شما را ندیدم! گفتم: پدرم به امام حسین (علیه السلام) خیلی علاقه دارد و

مداومت به زیارت عاشورا دارد. چرا در بین این ها نیست؟

جواب دادند: چند روز است که سراغ ما نیامده، ان شاء الله باز خواهد آمد.

روشی آسان برای خواندن زیارت عاشورا:

مولا شریف شیروانی به سند خود از امام دهم، علی بن محمد هادی (علیه السلام) نقل می کند: کسی که زیارت عاشورا بخواند و هنگامی که به عبارت لعن رسید یک مرتبه بگوید: «اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک. اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين و شایعت و بایعت و تابعت علی قتله» و صد مرتبه بگوید: «اللهم العنهم جميعا».

و عبارت سلام را نیز این گونه بگوید:

السلام عليك يا ابا عبدالله و على الارواح التي حلت «
بفنائك عليك منى سلام الله ابدًا ما بقيت و بقى الليل و
النهار، و لا جعله الله آخر العهد منى لزيارتكم» و صد
مرتبه بگوید «السلام على الحسين و على بن
الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين»
مثل آن است که تمام صد لعن و صد سلام را از اول تا
به آخر خوانده باشد^۴

یکی از بزرگان می فرمود: مرحوم آیه الله حاج
حسین خادمی و حاج شیخ عباس قمی و حاج شیخ
عبدالجواد مداحیان روضه خوان امام حسین علیه
السلام لیه السلام را در خواب دیدم که در غرفه ای از
غرفه های بهشت دور یکدیگر جمع بودند. از آیه الله

^۴ شرح زیارت عاشورا و داستانهای شگفت آن

خادمی احوالپرسی کردم و گفتم : با هم بودن شما
یک آیه الله و آقای حاج شیخ عباس قمی یک محدث
و حاج شیخ عبدالجواد روضه خوان، چه مناسبتی دارد
که با یکدیگر یک جا قرار گرفته اید؟

جواب دادند: ما همگی مداومت به زیارت عاشورا
داشتیم و در مقدار خواندن زیارت عاشورا مثل هم
بودیم^۵

زیارت عاشورا و بر طرف شدن مشکل ازدواج
آقای میر...یکی از اهل منبر می نویسد:چند سال پیش
یکی از دوستان پاک و جوانم رازی در دل داشت که
از ناچاری با من در میان گذاشت و گفت: من برای امر
ازدواج با مشکلاتی برخورد کرده ام که مایه غم و
اندوه شده، هر جا برای خواستگاری می روم به بن

کرامات الحسینیه، علی میر خلف زاده، ج ۵۲

بست می رسم، وقتی سخنانش را شنیدم گفتم: شاید
از کسانی خواستگاری می کنی که از شأن تو بالاتر
هستند.

گفت: چنین نیست، اگر باور نداری خودت وساطت
کن و برایم از خانواده ای که هم شأن من هستند
خواستگاری کن.

این کار را به عهده گرفتم و از یکی از دوستان که
یقین داشتم جواب رد به من نمی دهد برای این جوان
مؤمن خواستگاری کردم، آنها جواب مثبت دادند
ولیکن یک مرتبه گفتند: استخاره می کنیم، متأسفانه
جواب منفی آمد.

این داستان ما را غمگین کرد، دوست ما گفت: دیدی
حق با من است، گفتم: غم مخور، برای حل مشکل
اگر از شما کاری را بخواهم انجام می دهی؟ گفت:
آری.

به ایشان گفتم: چهل روز صبح بعد از نماز و تعقیبات،
زیارت عاشورا را بخوان با صد لعن و صد سلام.

شروع به زیارت عاشورا کرد. روز ۲۷ نزد من آمد و
با خوشحالی گفت: از خانواده ای خواستگاری کردم و
با کمال میل و رغبت قبول کردند و امروز صیغه ی
ازدواج را جاری می کنیم، دوست دارم شما هم در
برنامه ی اجراء عقد شرکت کنید.

در جلسه ی مراسم به او گفتم: یادت باشد که ۱۳
روز دیگر باقی مانده است و شما به برکت این زیارت
به زندگی نو رسیدی و برای حاجت های دیگر هم از
فیض این زیارت استفاده کن.

منبع: کتاب شرح زیارت عاشورا و داستان های شگفت
آن

راهنمایی در خواب و حل مشکل بوسیله زیارت

عاشورا

حجۀ الاسلام آقای حاج شیخ...می نویسند: مشکلی برای من پیدا شده بود که به هیچ وجه برطرف نمی شد، و اصلاح امر خانه ما هم بسته به او بود و دائماً در ناراحتی و مشکلات خود بودم تا اینکه کتاب زیارت عاشورا و آثار شگفت بدستم رسید، و از مضامین آن آگاه شدم، تصمیم گرفتم از روز اول ماه صفر ۱۴۱۲ به مدت چهل روز زیارت عاشورا با صد لعن و سلام و آداب کامل و دعاء علقمه بخوانم برای رفع مشکل خودم و اصلاح امر ازدواج برادرم. ۳۴ روز برنامه زیارت را ادامه دادم تا اینکه ایام عید الزهراء مشغول تهیه کردن و فراهم نمودن لوازم عید شدم. برنامه زیارت عاشورا را فراموش کردم، چند روز گذشت خواب دیدم در منزل مادرم جلسه ی ختم انعام است و همه جمع هستند ولی شخصی که باید دعا را بخواند

نیامده، گفتند: خوب است که شما دعا را بخوانید....
جریان خواب را با تلفن برای یکی از آقایان اصفهان
که معبر خوبی است نقل کردم، ایشان فرمود: سه
موضوع در کار شما است....سوم زیارت عاشورا می
خوانده اید ترک کرده اید، کار شما با ادامه زیارت
عاشورا اصلاح می شود.

بقیه برنامه را ادامه دادم، عصر روز چهارم مشکل ما
حل شد و مقدمات تهیه منزل فراهم، باز مشکلاتی از
جهت منزل بوجود آمد نذر کردم چهل زیارت
عاشورا بخوانم، عصر روز شروع به زیارت عاشورا،
خانه مناسبی مورد پسند پیدا شد در ظرف سه روز
معامله خانه انجام گرفت، و بدنبال او کار ازدواج
برادرم که در نذر اول مورد نظر بود اصلاح شد.
بحمدالله تعالی^۶

^۶ شرح زیارت عاشورا و داستانهای شگفت آن

دیدار آقا امام حسین (ع) از زنی که در عالم حیات

مداوم به زیارت عاشورا بود

حجۃ السلام و المسلمین حاج آقای حسین نظام الدینی

اصفهان - رحمه الله علیه و حشره الله مع اجداده -

نوشته اند: روزی منزل حاج عبدالغفور» یکی از حاجی

های موجه و ملازم آیه الله حاج سید محمد تقی فقیه

احمد آبادی صاحب کتاب شریف «مکیال المکارم فی

فوائد الدعاء القائم (ع)» بودم، یکی از رفقاء ایشان -

به نام حاج سید یحیی مشهور به پنبه کار - گفت:

برادرم را که مدتی بود فوت نموده در خواب دیدم با

وضع و لباس خوبی که موجب شگفت بود. گفتم:

داداش دیگر آن دنیا کلاه چه کسی را

برداشتی؟ گفت: کلاه کسی را برنداشتم.

گفتم: من تو را می شناسم این لباس و این موقعیت از

آن تو نیست، گفت آری دیشب شب اول قبر مادر

قبر کن بود. آقا سید الشهدا (ع) به دیدن آن زن
تشریف آوردند، و فرمودند: به کسانی که اطراف آن
قبر بودند خلعت ببخشند و من هم از آن عنایات
بهره مند شدم بدین جهت از دیشب وضع و حال ما
خوب و این لباس فاخر را پوشیده ام.

از خواب بیدار شدم نزدیک اذان صبح بود، کارهای
خود را انجام داده و حرکت کردم برای تخت فولاد
«قبرستان تاریخی و با عظمت اصفهان» برای تحقیقات
سر قبر برادرم رفتم، بعضی قرآن خوان ها کنار قبری
قرآن می خواندند از قبرهای تازه پرسش کردم، قبر
مادر قبرکن را معرفی کردند، گفتم: کی دفن شده؟
گفتند: دیشب شب اول قبر او بوده، متوجه شدم
تاریخ با گفته ی برادرم در خواب مطابق است. رفتم
نزد آقای قبر کن در تکیه مرحوم آیه الله آقا میرزا
ابوالمعالی «استاد مرحوم آیه الله العظمی بروجردی و

صاحب کرامات عجیبه» که محاذی قبر آن زن بود،
احوالپرسی نمودم و از فوت مادرش سؤال کردم،
گفت: دیشب شب اول قبر او بود.
گفتم: روضه خوانی می کرد؟ روضه خوان بود؟ کربلا
مشرف شده بود؟ گفت: خیر، سؤال کرد: این
پرسشها برای چی است؟ خواب خود را گفتم. گفت:
هر روز زیارت عاشورا می خواند.

حاج عبدالغفور در تکیه آقا میرزا ابوالمعالی بالا خانه
ای داشتند که هر وقت ایشان یا رفقایشان می رفتند
تخت فولاد در این اطاق منزل می کردند، روزی به
اتفاق ایشان و مرحوم حاج آقا مصطفی فقیه ایمانی و
حاج شیخ امیر آقا و حاج آقا حسین مهدوی
اردکانی... «جمعی از علماء و بزرگان و امام جماعت‌های
اصفهان و رفقاء حاج عبدالغفور» به تکیه آمیرزا
ابوالمعانی رفتیم، حاج عبدالغفور، قبر کن و قبر

مادرش را نشان داد و گفت:

مادر این قبرکن بود که امام حسین (ع) به دیدن او
تشریف آوردند و خلعت دادند به کسانی که اطراف
قبر او دفن شدند.

منبع: کتاب شرح زیارت عاشورا و داستانهای شگفت
آن

بر آمدن حاجت با خواندن زیارت عاشورا به نیابت از
امام زمان (عج)

حاج سید احمد - رحمه الله علیه - برای ما نوشت که
روز جمعه در مسجد سهله در حجره نشسته بودم،
ناگاه سید موقر معممی بر من داخل شد قبای فاخری
و عبای قرمزی پوشیده بود، نظری کرد به آنچه در
زاویه حجره بود - کمی از کتب و ظروف و فرش بود
- فرمود:

«برای حاجت دنیا کفایت می کند تو را و تو هر روز

صبح به نیابت صاحب الزمان(عج) زیارت عاشورا می
خوانی و خرجی هر ماهت را از من بگیر که محتاج به
احدی نباشی.»

و قدری پول به من داد و گفت: این کفایت یک ماه تو
را می نماید و رفت روبه در مسجد و من به زمین
چسبیده بودم و زبان من بند آمده بود، و هرچه
خواستم تکلم بنمایم نتوانستم، و نتوانستم بر خیزم، تا
سید خارج شد و همین که بیرون رفت گویا قیودی از
آهن بر من بود باز شد، و شرح صدری پیدا
کردم پس برخواستم و از مسجد خارج شدم، آنچه
تفحص کردم اثری از آن آقا ندیدم.^۷

توسل به زیارت عاشورا و نجات یافتن از مرگ و بر

طرف شدن مشکلات

حجت الاسلام و المسلمین آقای سید... می

فرمودند: همسرم چند غده « کیست » داشت و ما خبر

نداشتیم، شبی در خواب دیدم در سالنی هستم که

هیچ راهی به بیرون ندارد فقط سه روزنه در اطاق

سالن بود برای نفس کشیدن، طولی نکشید شتری

آمد و روی روزنه ها خوابید و راه نفس کشیدن را هم

بست، برای نجاتم مشغول دعا شدم در این حال بیدار

شدم. چند روز گذشت، حال همسرم سخت شد، به

دکتر مراجعه کردیم معلوم شد چند غده « کیست »

دارد و می بایستی عمل شود والا...

عده ای گفتند: دکتر های ایران نمی توانند عمل

کنند... بالاخره دکتر سعید برای عمل پیدا شد و می

گفت سیصد هزار تومان می گیرم برای عمل،

مضطرب و درمانده شدم، نذر کردم و مشغول زیارت

عاشورا شدم برای نجات از این درماندگی... بعد از
چند روز رفتم برای تسویه حساب، دکتر سعید گفت:
من پول نمی گیرم چون غده ها سه عدد بود و به عمل
خود هیچ امیدوار نبودم نذر کردم اگر عملم با
موفقیت انجام گرفت و بیمار از مرگ نجات پیدا کرد
پول نگیرم، و الحمدلله در عمل موفق بودم.
من هم به دکتر گفتم: وقتی راه برایم بسته شد نذر
کردم و مشغول زیارت عاشورا شدم تا خدا کمک کند
و در عمل مشکلی پیش نیاید.^۸

مداومت به زیارت عاشورا برای بدست آوردن علم
کیمیا

آقای شیخ محمد سمایی حائری می نویسند: مرحوم
سید موسی سبط الشیخ برای حقیر در نجف اشرف

نقل نمودند: شخصی جهت فرا گرفتن علم کیمیا،
متوسل به حضرت سید الشهدا(ع) گردید و سه سال
پیوسته زیارت عاشورا معروفه و غیر معروفه را در
ساعت و جای معین در حرم سید الشهدا (ع) خواند
پس از سه سال حضرت را در خواب می بیند حضرت
از او سؤال می پرسند برای چه این قدر توسل پیدا
می کنی و چه می خواهی؟ عرض می کند. علم کیمیا
را طالبم، حضرت می فرمایند: این علم بدرد تو نمی
خورد، عرض می کند: من طالب این علم هستم.
حضرت می فرماید: صبحا مرد نایبائی در کنار قبر
حبیب بن مظاهر اسدی می ایستد او دارای این علم
است.

این شخص از خواب بیدار شده فوراً بطرف حرم
حرکت کرده و منتظر باز شدن حرم می شود بعد از
گشوده شدن درب حرم و آمدن آن شخص متوجه
می شود این آقا فقیری است و مردم به او کمک می

کنند، پیش او رفته و خواسته خود را بیان می کند و او انکار، بعد از مأیوس شدن از او به توسل خود ادامه می دهد، در مرتبه ی دوم حضرت در خواب می فرمایند: خواسته تو پیش همان شخص است باز او را معرفی می نمایند و می فرمایند: دیگر مرا در خواب نخواهی دید.

بعد از بیدار شدن و اصرار و پافشاری به آن شخص، او را همراه خود می برد به مقبره ابن فهد حلی و چند نوع دارو به او می دهد و دستورات لازم را داده و می گوید این مسی که با این دارو مبدل به طلا می کنی برای خود و بچه هایت کفایت می کند، این شخص قبول نمی کند و می گوید من طالب علم کیمیا هستم و احتیاحی به این داروها ندارم، آن شخص می گوید حال که چنین است سه روز دیگر مراجعه کن، روز سوم که مراجعه می کند متوجه می شود آن شخص

فوت نموده و تمام اثاث و لوازمش را از اطاق خارج کردند و دور ریخته اند.^۹

دستور آیه الله العظمی کوه کمره ای به خواندن چهل زیارت عاشورا برای رفع گرانی و آمدن باران آقای نصیری - از اطرافیان مرحوم آیه الله العظمی آقای حجت کوه کمره ای و آقای گل محمدی ابهری و عده ای دیگر نقل کردند: در زمان متفقین مشکلات فراوانی برای مردم پیدا شده بود، و به واسطه نیامدن باران و گرانی، مردم و طلاب در مشکلات فراوانی قرار گرفته بودند، بطوری که نان سنگک دانه ای یک تومان بود، و حال آنکه شهریه طلاب ماهی ده تومان بود.

بدین جهت مرحوم آیه الله حجت کوه کمره ای دستور دادند چهل نفر از طلاب علوم دینیّه « و از آنها

شرح زیارت عاشورا و داستانهای شگفت آن

بودند آقای نصیری و گل محمدی و واعظی - که
چهار سال وکیل مجلس شد» بروند مسجد جمکران
روی بام وچهل زیارت عاشورا بخوانند با صد لعن و
صد سلام و توسل پیدا کنند به آقا موسی بن جعفر و
حضرت ابی الفضل العباس و آقا علی اصغر شیر خوار
امام حسین (ع) و دعا کنند برای آمدن باران و رفع
گرانی و مشکلات ... بالاخره بعد از انجام دستورات و
مراجعت از مسجد جمکران در فصل تابستان ابرها
بالا آمدند و بهم پیوسته و مشغول ریزش باران
شدیدی بطوری که طلاب کفش های خود را بیرون
آوردند و از میان سیلابها عبور می کردند و به برکت
این رحمت الهی قیمت ها شکست و نان سنگک یک
تومانی به شش ریال رسید و مردم خوشحال شدند.^{۱۰}

خانم علویه ای با یک توجه و عنایت حافظ زیارت
عاشورا شدند

بنت مرحوم آیه الله حاج سید محمد تقی موسوی
احمد آبادی صاحب کتاب شریف «مکیال المکارم» و
عیال مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی
سالی مشرف به عتبات عالیات عراق شده بودند شبی
در منزل فرزند برومندش آیه الله حاج سید محمد علی
موحد ابطحی در عالم رؤیا در حضور دو نفر از پسران
خود و در حالتی که متوجه گوشه ای از سقف اطاق
شده بودند زیارت عاشورا را می خوانند به طوری که
برای دیگران تعجب آور بوه است. صبح از ایشان
سؤال می کنند دیشب در خواب چه می دیدید و چه
می خواندید؟

گفته بودند: آقائی را در خواب دیدم چنین و چنان با
اشاره ای فرمودند زیارت عاشورا را بخوان و منهم
زیارت عاشورا را خواندم و از آن زمان به بعد این

زیارت را حفظ بودند . و رویه ایشان این بود در موقع
پیمودن مسیر های طولانی مشغول زیارت عاشورا می
شدند و در بین راه در مسجدی سجده زیارت و
نمازش را می خواندند «اسکنها الله فی جنانه ورزقها الله
رضوانه»^{۱۱}

وبا در سامرا و تاثیر اعجاز گونه زیارت عاشورا
سالی که در سامرا وبا آمد هرجا می نشستیم صحبت
از مردن این و آن بود. تا این که مرحوم آیت الله
آقای سید محمد فشارکی به مرحوم آیت الله میرزا
محمد تقی شیرازی گفت: شما مرا حاکم عادل می
دانید؟

آقای آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری نقل می
فرمودند:

سالی که در سامرا وبا آمد هر جا می نشستیم صحبت
از مردن این و آن بود. تا این که مرحوم آیت الله
آقای سید محمد فشارکی به مرحوم آیت الله میرزا
محمد تقی شیرازی گفت: شما مرا حاکم عادل می
دانید؟

ایشان جواب داد: بلی
بعد گفت: شما حکم حاکم را نافذ می دانید؟
ایشان جواب داد: محل اشکال است
مرحوم فشارکی فرمود: اشکال داشته باشید یا نه، من
مجتهد عادل حکم می کنم که هر شیعه چه مرد و چه
زن باید زیارت عاشورا به نیابت مادر گرامی امام
زمان (عجل الله تعالی فرجه) بخواند
مرحوم آقای حاج شیخ فرمود: زیارت عاشورا با این
حکم ایشان بر همه واجب شد و شیعیان زیارت

عاشورا خواندند و از آن تاریخ مرگ و میر شیعیان بر
اثر بیماری و بادر سامرا متوقف گردید^{۱۲}

آقای ... می نویسد دوبار با مشکلات دشواری مواجه
شدم که با خواندن زیارت عاشورا همه مشکلاتم حل
شد.

اولین توسل:

با سه مشکل مهم رو به رو شدم ، و به شدت از آنها
متأثر شدم.

۱. برای خرید منزل دویست هزار تومان مقروض
بودم و در طی نه سال قادر به ادای قرض نبودم.
۲. با مشکل سخت دیگری مواجه شدم که قادر به
گفتن آن نیستم.

آیینہ صدق و صفا ، صفحہ ۳۰۹
شرح حال آیت اللہ اراکی قدس سرہ

۳. از لحاظ رزق و روزی در مضیقه بودم.

این مشکلات به من بسیار فشار می آوردند و برای حل آنها از همه چیز نا امید شدم ، به حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام متوسّل شدن و به ذهنم خطور کرد که زیارت عاشورا به مدت چهل روز بخوانم ، و ثوابش را به حضرت نرجس خاتون اهدا کنم ، و با شفاعت این خاتون نزد فرزندش امام زمان همه این مشکلات حل شود.

توسل را به این ترتیب آغاز کردم:

هر روز بعد از نماز صبح زیارت امین الله را به قصد زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می خواندم و سپس زیارت عاشورا را با صد بار لعن و صد بار سلام می خواندم و سجده زیارت را به جای می آوردم ، و دو رکعت نماز زیارت را می خواندم پس از آن دعای معروف به دعای علقمه را می خواندم ، در روز بیست و هشتم و به طریقه ای شگفت مشکل دوم من

حل شد.

در روز سی و هشتم یکی از دوستانم که به قرض منزلم آگاه بود آمد و حالم را پرسید، سپس مبلغ دویست هزار تومان به من داد و گفت : این مبلغ برای قرض منزل توست.

بعد از چهل روز وضع اقتصادی من نیز بهتر شد، و پس از آن با مشکل اقتصادی مواجه نشدم.

دومین توسّل :

پس از گذشت یک سال از اولین توسّل ، با مشکل دیگری مواجه شدم : یکی از تجار تهران نزد من آمد و گفت : ما کالاهای بسیاری برای شما می فرستیم تا بفروشی و مبالغ آن را ارسال کنی . با بعضی از دوستان و تجار در این باره مشورت کردم گفتند: مبلغ هفتصد هزار تومان به عنوان پیش پرداخت برای او بفرست تا رضایت او را جلب کنی ، من نیز مبلغ یکصد هزار تومان از قرض الحسنه تهیه کردم و

یکی از دوستان پانصد هزار تومان به من داد، به هر حال برای او مبالغ را جور کردم و فرستادم و به مدت سه روز منتظر ماندم تا اجناس برسد، اما متأسفانه برایمان آشکار شد که تاجر از حقه بازان بوده، و پس از گرفتن پولها از بانک متواری شده و بدهی بسیاری دارد که بالغ بر هفتاد میلیون تومان می شود... مدّت سه ماه دنبال او جستجو کردیم ولی اثری از او نیافتیم تا ما را به او برساند.

با استفاده از اولین تجربه ام که آن را از خواندن زیارت عاشورا به دست آورده بودم، این بار نیز با همان نیّت و با همان سبک متوسل شدم، پس از بیست روز این تاجر با من تلفنی تماس گرفت و مبلغ را پس داد، بعد از چند روز او را بازداشت کردند و به تهمت حقه بازی و مال مردم خوری به زندان انداختند، و هیچ طلبی به دیگران مسترد نشد.

مایلم متذکر شوم که در هر دو بار با قلبی اندوهگین

و با قطع امید از همه به وسیله این زیارت به سرور
شهیدان متوسل شدم^{۱۳}
توسّل به زیارت عاشورا و آسان شدن مسأله ازدواج
یکی از خطبا و وعّاظ می نویسد:
قبل از چند سال یک دوست جوان و مؤمن نزد من
آمد و حاجت حل نشده ای را مطرح کرد، او گفت:
چندی قبل قصد ازدواج کردم، لیکن هر بار با
مشکلات و سختیهایی مواجه شدم. به او گفتم: چون
شما نزد کسانی رفته ای که در شأن و مقامت
نیستند.

گفت: چنین نیست، و اگر باور نمی کنید شما برایم
پا پیش گذار و از یک خانواده در شأن و مقام من

داستانهای شگفت انگیز از زیارت عاشورا و تربت سید الشهداء علیه السلام-نویسنده^{۱۳}

:حیدر قنبری

برایم خواستگاری کن.

نزد دوستم رفتم که مطمئن بودم به من پاسخ مثبت می دهد، از او دخترش را برای این جوان مؤ من خواستم ، در ابتدا موافقت کرد، و بعد از مدتی گفت : می خواهم استخاره کنم ، و متأسفانه پاسخ منفی داد. این ماجرا مرا بسیار اندوهگین کرد، و دوستم به من گفت : دیدی حق با من بود؟ به او گفتم : خودت را ناراحت نکن ، برای برطرف شدن مشکلات بعد از ادای نماز صبح و تعقیبات آن زیارت عاشورا را با صد بار لعن و صد بار سلام بخوان.

شروع به خواندن زیارت کرد، در روز بیست و هفتم خوشحال نزد من آمد و گفت : نزد یکی از خانواده ها رفتم ، و موافقت کردند. آنها و من در نهایت رضایت به سر می بریم و امروز عصر مراسم خواستگاری برگزار می شود، می خواهم شما یکی از شاهدان آن باشید. به او گفتم : پس سیزده روز باقی مانده را

فراموش نکن ، شما زندگی مشترک خود را به برکت
زیارت عاشورا آغاز کردی ، و در هر زمانی که با
مشکلی در زندگی مواجه شدی برای برطرف شدن
آن به زیارت عاشورا متوسل شو، انشاءالله حاجت تو
بر آورده شود^{۱۴}.

برطرف شدن اندوه و شیرین شدن دوباره زندگی
توسط زیارت عاشورا

یکی از بانوان محترم از رانده شدگان عراقی می
نویسد: من با مشکل بزرگی مواجه شدم که زندگی
مرا تهدید می کردو برای آن مشکل راه حلی نیافتم و
حقیقتاً امیدم از هر چیزی قطع شده بود و به همه
دعاهایی که در کتابهای ((مفاتیح الجنان)) و ((التحفة
الرضویة)) و ((المخازن)) و... یافت می شد متوسل
شدم . این دعاها را در نیمه شب و زیر آسمان می
خواندم و بالا خره به کمک زیارت عاشورا و به شکل

شگفت انگیزی به حاجت خود رسیدم ، مشروح این
داستان بدین قرار است :

من همسر محترمی داشتم ، او دارای شخصیت
متمایز، منحصر به فرد و دارای کمالات معنوی ، خلق
و خویی بلند مرتبه بود. وی در احترام به زن و
فرزندان و نزدیکانش مرد نمونه ای بود، روزی با
برادران و نزدیکانم مشاجره کرد به طوری که به من
گفت : حتماً باید روابط خود را با نزدیکانت قطع کنی
، همسر من در گفتارش جدی و مصمم بود به طوری
که امکان مخالفت با گفته هایش نبود.

من متحیر و سرگردان ماندم ، چگونه رابطه ام را با
نزدیکان و خویشاوندانم قطع کنم؟! در حالی که
همسر من می گفت : تا انتقامم را از آنها نگیرم ساکت
نمی مانم.

مرا به قم منتقل نمود، و از قم به ... و همیشه می گفت
: انتقام می گیرم ، من نمی دانستم هدفش چیست ، و

چه می خواهد بکند، بعد از آن بدون آنکه به کسی
خبر دهد ما را ترک کرد و به خارج مسافرت کرد،
بعداً مطلع شدیم می خواهد درخواست پناهندگی از
آلمان و یا فرانسه کند، سپس پیغام داد که دیگر باز
نخواهد گشت و سوگند یاد کرد زندگی مشترک ما
منتفی شده ، هر کس از دوستان و نزدیکانش آنجا
درباره بازگشتش با او سخن گفت پاسخش منفی بود.
می گفت : همسرم هر کاری می خواهد بکند!!
اما من همه دعاها و توسلهایی که دوستان و نزدیکانم
به من می گفتند می خواندم ، مانده بودم با فرزندانم
چه کنم ؟

وقتی خبر فوت آیت الله حاج سید مرتضی موحد
ابطحی پدر مؤلف در تاریخ جمعه هشتم جمادی آخر
سال ۱۴۱۳ منتشر شد در مراسم تشییع او شرکت
کردم و در نزدیکی قبر آن مرحوم ، آیت الله سید
محمد باقر موحد ابطحی فرزند ارشد ایشان گفت : در

دهان متوفی قدری خاص از تربت امام حسین علیه
السلام را که از فاصله یک متری آرامگاه شریف
سرور آزادگان حسین بن علی علیه السلام در سال ...
برداشته شده قرار دادیم ، و در روز دهم محرم
الحرام این تربت چون خون سرخ رنگ به نظر می
رسد. بنا بر این هر کس حاجتی مهم دارد نذر کند
زیارت عاشورا را ختم کند، انشاءالله حاجتش بر آورده
می شود.

بدون آنکه بدانم اشکهایم جاری بود، و در طی این
مدت همیشه در خواب می دیدم مشغول خواندن
زیارت عاشورا هستم ، و هنگام سجده از خواب بر
می خواستم.

از شدت ناراحتی و تأثیر بعضی از روزها زیارت
عاشورا را دوبار می خواندم ، در یکی از شبها در عالم
خواب دیدم گویی مجلس عزای امام حسین علیه
السلام بر پا شده و من در آن شرکت جسته ام ، از

میهمانان با حلوای پذیرایی می کردند، یکی از آنها را برداشتم و آن را گشودم ، نامه ای یافتم که در آن شعری بود و اکنون آن را به خاطر نمی آوردم دستمالی سرخ رنگ و قدحی به شکل تقویم در آن بود که بر آن نوشته شده بود: جمادی اوّل ، جمادی دوّم.

از خواب برخاستم و خوابم را تلفنی برای یکی از مفسران خواب گفتم ، خواب را چنین برایم تفسیر کرد: شما برای حاجت مهمی مشغول به توسل شده اید، و آنچه را که می خواهید در ماه جمادی اول یا جمادی دوم به دست می آید.

سپس خواندن زیارت عاشورا را ادامه دادم در یکی از شبها در عالم خواب دیدم گویی از حمام خارج شده ام لیکن قسمتی کوچک از کمرم تمیز نشده مانده بود، من مجدداً به حمام باز گشتم و آن را خوب شستم تا تمیز شد.

خوابم را برای مفسر خواب گفتم . او گفت : همه اعمال تو پذیرفته شد، و معنی غسل دوم که آن را ذکر کردی این است : از مشکلی که گرفتار شده ای خلاصی می یابی ، دعاها و توسل‌های انجام شده توسط شما به صورت آشکاری اثر نموده .

با خود گفتم : توسل خود را با زیارت عاشورا به پایان رساندم ، و به حاجتم می رسم ، در روز بیستم ، بعد از خواندن دوباره زیارت عاشورا و دعای علقمه ، نماز خواندم و آرامگاه مرحوم آیت الله سید مرتضی موحد ابطحی را زیارت کردم مبلغی نیز به خادم او دادم و از او خواستم روضه ای بخواند و ثواب آن را نثار روح مرحوم کند، پس از آن به منزل باز گشتم ، در آن شب در خواب دیدم گویی در خیابان اسیر گشته ام ، و من به شکل زیبا و به شخصیتی عجیب بودم و حجابی کامل داشتم و به دستم تسبیحی بلند و سبزرنگ بود، در برابرم سید محترمی بود، رو به من

کرد و با لبخندی به من فرمود: خداوند تو را به آنچه
می خواهی می رساند.

سپس همراه او سوار ماشین شدم.

این خواب را برای کسی تعریف نکردم در روز جمعه
شب ساعت هشت و نیم زنگ تلفن به صدا در آمد،

وقتی گوشی را برداشتم صدایی را شنیدم که آشنا
بود، ولی نمی توانستم آن را تشخیص دهم. او گفت:

من فلانم (شوهرت هستم) من گفتم: چه می گویی

!!؟ تو کجایی؟ گفت: من اکنون در شهر اصفهان

هستم. گفتم: چرا به خانه نمی آیی؟ گفت: می آیم

اما ابتدا خواستم خبر دهم تا غافلگیر نشوید. گفتم:

خوش آمدی در این لحظه که این سطرها را می

نویسم به یاد لحظه ای می افتم که زنگ تلفن به صدا

در آمد و بدنم را لرزش فرا گرفت و حالتی غیر

طبیعی به من دست داد، آن شدت خوشحالی را قادر

به توصیف نیستم.

وقتی همسرم به منزل آمد، ابتدا به منزل فرزندان آن
مرحوم که در نزدیکی منزل ماست رفتم و داستان را
برای وی بازگو کردم سپس خواستم به زیارت قبر
سید بروم از او تشکر کنم لیکن تا کنون موفق نشده
ام ، و خدا را شکر که با یکدیگر زندگی می کنیم و
چیزی صفا و صمیمیت زندگی ما را تیره و تار ننموده

شایان ذکر است ، من به همسرم گفتم : آنچه از تو
می دانم این است که مردی قاطع و در حرف و عمل
جدی می باشی بارها گفتمی به اصفهان باز نمی گردم
چه چیز تو را واداشت نظرت را تغییر دهی و نزد ما
باز گردی ؟

او گفت : در ابتدا بسیار تحت تأثیر قرار گرفته بودم
به طوری که یک بار هم فکر بازگشت به اصفهان به
ذهنم خطور نکرد، ولی از تاریخ ... (نزدیک همان
روزهایی که شروع به خواندن زیارت عاشورا کردم)

تحت فشار قرار گرفتم و اعصابم به هم ریخته شده بود، هر چه برای خروج از این بن بستی که در آن به سر می بردم فکر می کردم به راه حلی نمی رسیدم ، به نظرم رسید به فرانسه مسافرت کنم ولی بیشتر احساس ناراحتی می کردم ، سپس به فکر مسافرت به ترکیه افتادم ولی از این فکر نیز احساس راحتی به من دست نمی داد، لیکن وقتی فکر بازگشت به اصفهان را می کردم احساس راحتی و آسودگی خیال به من دست می داد، برای همین بازگشتم .

و نکته بسیار مهم : بازگشت همسر مصادف با روزهای جمادی اول و جمادی دوم بود، همان روزهایی که در عالم خواب ذکر شده بودند، به همین دلیل به طور مستمر زیارت عاشورا را می خوانم .

من همه مردان و زنان مؤمن را سفارش می کنم که اگر در زندگی با مشکلی رو به رو شدند از رحمت خداوند و عنایت اهل بیت نا امید نشوند و با دعا و

توسل به این گوهر نایاب و گرانمایه و این اکسیر
بسیار بزرگ قادر خواهند بود لطف و عنایت باری
تعالی را کسب کنند.^{۱۵}

داستانهای شگفت انگیز از زیارت عاشورا و تربت سید الشهداء علیه السلام-نویسنده¹⁵

مداومت بر زیارت عاشورا

آیت الله شبیری زنجانی، از مراجع تقلید می‌گوید: «یکی از چشم‌های فرزند آقای حاج سید محمد بن‌نورددی بر اثر عارضه‌ای نابینا شده بود و به نظر پزشکان - حتی پزشکان خارج از کشور - به علت رشد آن عارضه، چشم دیگرش نیز نابینا می‌شد. ولی آن شخص شفا یافت. یکی از بستگان وی، سیدالشهداء را در عالم رؤیا دید که به وی فرمود: «ما به جهت اینکه او به زیارت عاشورا مداومت داشت، سلامتی چشم و دیگرش را از خدا گرفتیم».

آخرین ذکر، زیارت عاشورا

مرجع بزرگ، آیت الله العظمی بهجت درباره زیارت عاشورا می‌گوید: «مضمون زیارت عاشورا گواه و روشن کننده عظمت آن است... در سندها آمده است که

زیارت عاشورا از حدیث‌های قدسی است. برای همین، با وجود فراوانی کارهای علمی موجود نزد علما و اساتیدمان، آنان همیشه مراقب خواندن زیارت عاشورا بودند. مرحوم آیت الله شیخ محمدحسین اصفهانی از خداوند متعالی می‌خواست کلمات پایانی عمرش، زیارت عاشورا باشد، و پس از آن به سوی باری تعالی بشتابد. خداوند نیز دعای وی را اجابت کرد و پس از اتمام خواندن زیارت عاشورا روحش به ملکوت اعلی «شتافت و قرین رحمت گردید».

امام صادق علیه‌السلام: زیارت امام حسین علیه‌السلام
لیه‌السلام را فرو نگذار که خدا عمرت را طولانی و
روزیات را زیاد می‌کند و زندگی باسعادت و مرگ با
شهادت به تو خواهد بخشید

همیشه با زیارت عاشورا

صاحبان بصیرت، همیشه به خواندن زیارت عاشورا توجه داشتند و آن را به دیگران نیز سفارش می کردند. مرحوم شیخ رجبعلی خیاط که حالات معنوی او مشهور خاص و عام است، در توسل به اهل بیت علیه السلام به زیارت عاشورا تأکید فراوانی داشت و می فرمود: «در عالم معنا به من توصیه کرده اند که زیارت عاشورا بخوان». وی به دیگران نیز سفارش می کرد: «تا»
«زنده اید زیارت عاشورا را از دست ندهید».

اثرات بی نظیر خواندن زیارت عاشورا

فواید خواندن زیارت عاشورا روایاتی است از جمله این که آمده است: در نجم ثاقب در ذیل حکایت تشریف جناب حاج سید احمد رشتی به ملاقات امام عصر ارواحنا فداه در سفر حج و فرمایش آن حضرت

به او که چرا شما عاشورا نمی‌خوانید عاشورا عاشورا
. عاشورا

شیخ ما ثقه الاسلام نوری رحمه الله فرموده: اما زیارت
عاشورا پس در فضل و مقام آن بس که از سنخ سایر
زیارات نیست که به ظاهر از انشای و املائی معصومی
باشد هر چند که از قلوب مطهره ایشان چیزی جز
آنچه از عالم بالا به آنجا رسد بیرون نیاید بلکه از
سنخ احادیث قدسیه است که به همین ترتیب از
زیارت و لعن و سلام و دعا از حضرت احدیت جلت
عظمت به جبرئیل امین و از او به خاتم النبیین صلی الله
علیه و آله رسیده و به حسب تجربه مداومت به آن در
چهل روز یا کمتر در قضای حاجات و نیل مقاصد و دفع
اعادی بی‌نظیر و لکن احسن فواید آن که از مواظبت
آن به دست آمده فایده ای است که در کتاب
دارالسلام ذکر کردم و اجمال آن که ثقه صالح متقی

حاج ملا حسن یزدی که از نیکان مجاورین نجف اشرف است و پیوسته مشغول عبادت و زیارت نقل کرد.

مداومت در خواندن زیارت عاشورا

شهید بزرگوار دستغیب نوشته: فقیه زاهد عادل مرحوم شیخ جواد بن شیخ مشکور عرب که یکی از اجله علماء و فقهاء نجف اشرف بوده، در شب ۲۶ صفر ۱۳۳۶ در نجف اشرف ملک الموت را در خواب می‌بیند پس از سلام از او می‌پرسد از کجا می‌آئی؟ عزرائیل می‌فرماید: از شیراز، رفتم روح میرزا ابراهیم محلاتی را قبض کردم ، عرض می‌کند: روح میرزا ابراهیم در عالم برزخ چه حالی دارد؟

می‌فرماید: خیلی خوب، در بهترین باغهای عالم برزخ است و خداوند هزار فرشته را برای خدمتگزاری او

معین کرده، سؤال کرده: چه عملی انجام داده که به این مقام رسیده؟ آیا به خاطر مقام علمی و تدریس و تربیت شاگرد؟ فرموده: نه، پرسیده: به خاطر نماز جماعت و رساندن احکام به مردم؟ فرموده: نه، سؤال کرده: پس برای چه؟ فرموده: برای خواندن زیارت عاشورا، چون محلاتی در سی سال آخر عمرش زیارت عاشورا را ترک نکرده و هر روزی که به سبب بیماری و یا امر دیگری که نمی توانسته بخواند نایب می گرفته است .

شیخ از خواب بیدار می شود و فردای آن شب به منزل آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی می رود و خواب خود را برای ایشان نقل می کند ، مرحوم میرزا محمد تقی گریه می کند، از ایشان سؤال می کنند چرا گریه می کنند؟ می فرماید: محلاتی از دنیا رفت ! و او استوانه فقر بود! می گویند: شیخ خوابی دیده معلوم نیست

واقعیت داشته باشد، میرزا می‌فرماید: آری خواب است؛ اما خواب شیخ مشکور است! نه فردی عادی! فردای آن روز تلگراف فوت محلاتی به نجف مخابره می‌شود و صدق خواب شیخ مشکور آشکار می‌گردد.

زنی که امام حسین علیه السلام سه بار در قبر به دیدنش آمد

صاحب دارالسلام مرحوم علامه محدث نوری می‌فرماید: ثقة صالح متقی حاج ملاحسن یزدی که مرد عابد و با تقوا و پاکیزه ای بوده و از جمله کسانی است که در کنار قبر حضرت امیر (ع) مجاورت داشته و حق همسایگی حضرت را بجا می‌آورد و در انجام عبادت بسیار پشتکار دارد، او از حاج محمدعلی یزدی که مردی ثقه و امین بود نقل کرد که در یزد

مرد صالح و فاضلی بود که به فکر آخرت خویش بود
و شبها در مقبره ای خارج شهر یزد که به آن مزار
.گویند، می خوابید

این مرد همسایه ای داشت که از کودکی در مکتب و
غیره با هم بودند، تا اینکه بعدها شغل عشاری (باج
خواهی و پول زور گرفتن) را انتخاب کرد و تا آخر
عمر هم چنین می بود، تا اینکه مرد و در همان مقبره
مذکور نزدیک محلی که حاج محمد علی یزدی می
.خوابید او را دفن کردند

هنوز یک ماه نگذشته بود که حاج محمد علی او را در
خواب دید، با حالت زیبا و سر حال از نعمت، او گوید:
نزدش رفتم و به او گفتم: من اول و آخر و باطن و
ظاهر کار تو را می دانم، تو از کسانی نبودی که در

باطن نیکو باشی و ظاهرت بخاطر برخی جهات چون
تقیه یا ضرورت و یا کمک به مظلوم، توجیه شود؟ و
کار تو جز عذاب نتیجه ای نداشت، چگونه به این
!مقام رسیدی ؟

آن مرد گفت: آری مسئله همانطور است که تو گفتی،
من تا دیروز در سخت ترین عذاب بودم، تا اینکه
همسر استاد اشرف آهنگر از دنیا رفت و او را در
اینجا دفن کردند و اشاره کرد به مکانی که صد ذراع
فاصله داشت و در همان شبی که او را به خاک
سپردند، حضرت امام حسین(ع) سه بار به دیدن او
آمدند، و در مرتبه سوم دستور فرمود: تا عذاب را از
اهل این قبرستان بردارند، به این جهت حال من نیکو
شد و در نعمت و وسعت قرار گرفتم

حاج محمدعلی گوید: با تعجب از خواب بیدار شدم،

استاد اشرف آهنگر را نمی شناختم و جای او را نمی دانستم، در میان بازار آهنگرها جستجو نمود تا استاد اشرف را پیدا کرد، از او پرسید، آیا شما همسر داری؟ گفت: داشتم، ولی دیشب فوت نمود و او را در فلان جا دفن کردیم، و همان جایی را گفت که در خواب آن مرد به من نشان داد، از او پرسید: آیا همسر شما به زیارت امام حسین (ع) رفته بود؟ گفت: خیر، پرسید: آیا مصیبت حضرت را می نمود؟ گفت: خیر، پرسید: آیا او برای امام حسین مجلس مصیبت برپا می کرد؟ جواب داد: خیر، منظورت از این سوالها چیست؟ آن مرد داستان خواب خود را بیان کرد و گفت می خواهم رمز آن ارتباط میان او و امام حسین را دریابم.

استاد اشرف گفت: آن زن همواره به خواندن زیارت
عاشورا مداومت داشت.

...پشیمانم

از عارف بزرگ مرحوم آیت الله میرزا سید علی آقای
قاضی (ره) (استاد آیت الله بهجت و علامه طباطبایی)
نقل شده که بعد از رحلتشان کسی ایشان را در
خواب دید و سوال کرد: چه عملی در آنجا مهمتر
است؟

و من پشیمانم که چرا روزی **زیارت عاشورا** فرمود
یک بار **زیارت عاشورا** را قرائت کردم و دوبار
نخواندم!

مرحوم قاضی (ره) می گفتند: هر چه دارم از سید

الشهداء(ع) و قرآن دارم^{۱۶}

”

کی از آقایان نقل می کند: برادرم را که مدتی پیش فوت کرده بود در خواب دیدم با وضع و لباس خوبی که موجب شگفتی بود. گفتم: داداش دیگر آن دنیا کلاه چه را برداشتی؟! گفت: من کلاه کسی را برنداشتم. گفتم: من تو را می شناسم. این لباس و این موقعیت از آن تو نیست. گفت: آری. دیشب، شب اول قبرِ مادرِ قبرکن بود. آقا سید الشهداء(ع) به دیدن آن زن تشریف آوردند و به کسانی که اطراف آن قبر بودند خلعت بخشیدند و من هم از آن عنایات بهره مند شدم. بدین جهت از دیشب وضع و حال ما خوب شده و این لباس فاخر را پوشیده ام.

¹⁶طرحی نو از زیارت عاشورا، ص ۲۱۲

از خواب بیدار شدم. نزدیک اذان صبح بود. کارهای خود را انجام داده و حرکت کردم به سمت تخت فولاد. برای تحقیقات سر قبر برادرم رفتم. بعضی قرآن خوان ها کنار قبرها قرآن می خواندند. از قبرهای تازه پرسیدم، قبر مادر قبرکن را معرفی کردند. رفتم نزد آقای قبر کن. احوال پرسى کردم و از فوت مادرش سوال کردم، گفت: دیشب شب اول قبر او بود. گفتم: روضه خوانی می کرد؟ روضه خوان بود؟ کربلا رفته بود؟ گفت: خیر. برای چه می پرسى؟ داستان را گفتم. او گفت: هر روز **زیارت عاشورا** می خواند^{۱۷}.

۱۱

¹⁷ حکایاتی از عنایات حسینی، ص ۱۱۱ و ۱۱۲

مزد دادن امام زمان علیه السلام برای خواندن زیارت

عاشورا

حاج سید احمد (رحمة الله عليه) برای من نوشت که
روز جمعه در مسجد سهله در حجره نشسته بودم .
ناگاه سید موقر معممی بر من داخل شد که قبای
فاخری و عبای قرمزی پوشیده بود، نظری کرد به
آنچه در زاویه حجره بود کمی از کتب و ظروف و
:فرشی بود فرمود

برای حاجت دنیا کفایت می کند تو را و تو هر روز
صبح به نیابت صاحب الزمان علیه السلام زیارت
عاشورا می خوانی و خرجی هر ماهت را از من بگیر
که محتاج احدی نباشی و قدری پول به من داد و
: گفت

این کفایت یک ماه تو را می نماید
و رفت رو به در مسجد و من به زمین چسبیده بودم و
زبان من بند آمده بود و هر چه خواستم تکلم بنمایم

نتوانستم و حتی نتوانستم برخیزم تا سید خارج شد و
همین که بیرون رفت گویا قیودی از آن بر من بود و
باز شد و شرح صدری پیدا کردم پس برخاستم و از
مسجد خارج شدم آنچه تفحص کردم اثری از آن آقا
ندیدم .

توسعه رزق و روزی با زیارت عاشورا

چون اول باب سه حدیث درباره زیاد شدن رزق و
روزی با زیارت امام حسین علیه السلام است لذا این
حکایت را هم می نویسم و دلیل دیگرش روضه
خوانی تاجر نصرانی : عالم جلیل و زاهد مسلم آقای
شیخ عبدالجواد حائری مازندرانی فرمود که : روزی
کسی آمد خدمت خلد مکان شیخ زین العابدین
مازندرانی (قدس الله سرّه العالی) و از تنگی معاش
خود شکایت کرد؛ شیخ به او فرمود: برو حرم
حضرت اباعبدالله علیه السلام زیارت عاشورا بخوان
رزق و روزی به تو خواهد رسید اگر نرسید بیا نزد

من ، من خواهم داد رفت . بعد از زمانی ملاقات شد
گفت : در حرم مشغول خواندن زیارت عاشورا بودم
که کسی آمد وجهی به من داد و در توسعه قرار
گرفتم

بر آورده شدن حاجتهای آیت الله سید نجفی قوچانی توسط زیارت عاشورا

:آیت الله سید نجفی قوچانی رحمه الله فرمود
بعد از آنکه دوبار زیارت عاشورا را در اصفهان و هر
بار به مدت چهل روز برای بر آورده شدن حاجتها و
مطالب شرعی خود خواندم ، بحمدالله به مراد خویش
دست یافتم ، و به این زیارت اعتقاد پیدا نمودم ، برای
همین پس از رسیدن به شهر نجف اشرف در اولین
روز جمعه شروع به خواندن زیارت عاشورا نمودم و
این بار غرضم ظهور حکومت امام زمان (عج) بود
البته اگر خداوند آن را از من بپذیرد تا به شهادت و
یا سروری نایل شوم و همه آنها نور علی نور است .

من از کسانی نیستم که شیفته سر گرمیهای دنیا و
کثافات آن باشم ، من شیفته مولای خویش صاحب
. الامر (عجل) هستم و از قید و بندهای جهان آزادم
این زیارت را هر جمعه در نجف اشرف و یا در کربلا،
حتی در مسیر راه می خواندم ، و در یک سال آن را
چهل جمعه می خواندم

خداوند را بر سرّ درونم گواه می گیرم من امام عصر
را بسیار دوست می دارم و از خداوند خواهان توفیق
. خدمتگزاری ایشان و حصول سرفرازی هستم

زیارت عاشورا و برطرف شدن دشواریها

یکی از علمای معروف شهر اصفهان در یادداشتهای
خود می گوید: یکی از شبها در خواب به من الهام شد
تا به فرد محترمی از اهالی شهر اصفهان که نام او را
نیاورده مبلغ ۴۵۰۰۰ تومان بدهم ، و در صبح روز
دوم در انجام آنچه در خواب به من دستور داده شده
بود متحیر شدم که آیا آنچه را که در خواب درک

نموده بودم صحیح بوده یا خیر، از مقدار اندوخته خود
نیز بی خبر بودم . وقتی آنها را شمردم ۴۵۰۰۰
تومان بود به دکان آن مرد محترم رفتم (من او را می
شناختم وی صاحب دکان کوچکی بود) آنجا دو نفر را
در مقابل دکانش دیدم در اولین فرصتی که یافتم به
صاحب دکان گفتم : با تو کاری دارم ، تقاضا دارم با
من به مکانی بیایی و سریع باز گردیم ، او را به مسجد
بردم . کارگران و ((جی))النبی واقع در خیابان
بنایان در مسجد مشغول تعمیر بودند، در یکی از
گوشه های مسجد رو به قبله نشستیم ، به او گفتم :
به من امر شده غم و غصه و مشکلی را که هم اکنون
در آن به سر میبری از تو برطرف کنم ، از تو می
خواهم مشکل را برایم بازگو کنی ، به او بسیار
اصرار کردم ، لیکن از گفتن سرباز زد، سرانجام مبلغ
را به وی دادم ، ولی مقدار آن را به او نگفتم ، مرد
گریان شد و گفت : من مبلغ ۴۵۰۰۰ تومان مقروضم

، نذر کردم هر روز صبح به مدت چهل روز بعد از نماز صبح زیارت عاشورا بخوانم ، و امروز آخرین آن . را خواندم

توصیه شیخ کبیر به خواندن زیارت عاشورا

شیخ محمد حسن انصاری اخوی زاده و داماد سرآمد فقها، شیخ مرتضی انصاری دارای چند فرزند بود، معروف به ((شیخ مرتضی))سومین فرزند ایشان شیخ کبیر از اهل علم و فضل بود و در نجف به سر می برد، وی در سال ۱۲۸۹ ه به دنیا آمد، و در سال ۱۳۲۲ ه در دزفول در سن ۳۳۳ سالگی فوت نمود، این شیخ جلیل القدر حرص و ولع ویژه ای نسبت به خواندن زیارت عاشورا در صبح و شب داشت ، پس از مرگش بعضی از یارانش او را در عالم خواب دیدند، از او پرسیدند: بهترین و نافع ترین اعمال آنجا کدام است ؟ در پاسخ سه بار فرمود: زیارت عاشورا.

حل مشکلات به واسطه زیارت عاشورا

عالم جلیل القدر و متقی مرحوم آیت الله نجفی قوچانی رحمه الله از طلاب برجسته خراسانی بود و در ضمن یاد داشتهای خاطراتش در اصفهان که به مدت چهار سال از سال ۱۳۱۴ ه ق الی ۱۳۱۸ تداوم داشت می نویسد:

وقتی به شهر اصفهان آمدم ، شبی در خواب چهره مرگ را به صورت یک حیوان در ابعاد دیدم عمرش بالغ بر یک سال ((گوسفند)) یک بوده و به دنبال او سه و یا چهار عدد از بچه های کوچکش در هوا در حال سیر و حرکت بودند، در اثنای حرکتشان از روی منزل ما در قوچان گذشتند و یکی از گوسفندان بر روی منزل ما از حرکت باز ایستاد.

برای پدرم نوشتم : نامه ای برایم ارسال کند و احوال خود را در آن شرح دهد؛ زیرا نگران او بودم پس از

ارسال نامه ، از پدر نامه ای دریافتم در آن گفته بود
 . همسرش فوت نموده

و نیز می نویسد: قبل از ده سال مبلغ دوازده تومان
برای ادای مخارج زیارت به عتبات مقدس قرض
بدهی او به هشتاد ((ربا)) کرده بود ولی به دلیل
تومان رسیده بود، و همه دارایی پدرم به این مقدار
نمی رسید، من تصمیم گرفتم زیارت عاشورا را به
مدت چهل روز بر بام مسجد سلطان صفوی بخوانم و
: سه حاجت را طلب کردم

اول : ادای بدهی پدرم

دوم : طلب آمرزش

سوم : افزون شدن علم و اجتهاد

قبل از ظهر شروع به خواندن می نمودم و قبل از زوال
ظهر آن را تمام می نمودم ، خواندن آن دو ساعت به
طول می انجامید پس از اتمام چهل روز و تقریباً بعد
از یک ماه پدرم به من نوشت : امام موسی بن جعفر

علیه السلام قرض مرا ادا کرد، به او نوشتم : خیر، امام
حسین علیه السلام آن را ادا کرد، و همگی آنها یک
نور واحدند.

وقتی سرعت تأثیر زیارت را در بر آورده شدن
حاجتها در مسایل دشوار دیدم و قلباً از تأثیر گذاری
آن در بر آورده شدن حاجتها اطمینان یافتم ، عزم
خود را جزم کردم تا آن را در روزهای ماه محرم
الحرام و ماه صفر برای حاجت مهمتری به مدت چهل
روز بخوانم ، لذا با تلاش و کوشش بسیار و با احتیاط
کامل بر بام مسجد سلطان می رفتم ؛ و رو به قبله و
زیر آسمان بودن را مراعات می کردم ، بعد از سپری
شدن روزها، و ختم چهل روز، در خواب بشارت
دهنده ای را دیدم که می گفت : به مراد خود رسیدی
. و در صبحگاه در قلبم شور خاصی پدیدار گشت ، و
: این چند بیت را سرودم

زمان قبض گذشت ، انبساط جلوه گر آمد

درخت صبر قوی گشت ، باز بر ثمر آمد

چو کوه شو، سر تسلیم بیش و راضی شو

به لطمه شب و روز فلک که ماه بر آمد

توسل به زیارت عاشورا و تأثیر آن در استرداد سهم
های به سرقت رفته

آقای حاج سید حسن فرزند مرحوم سید رضا غرضی
ساکن در شهر اصفهان ، و یکی از تجار آنجا می
گوید: از پدر مرحوم من مقداری از سهم های شرکت
های تولیدی را در سال ۱۳۲۵ به سرقت بردند و بعد
از مدتی قادر به شناسایی سارق شدند و او را به پلیس
تحویل دادند و پس از مدتی به دادگاه بردند و به
شش ماه حبس محکوم کردند، ولی سارق به سهم
های به سرقت رفته اعتراف نکرد

پدرم به زیارت عاشورا متوسل شد و هر روز پس از
نماز صبح زیارت را با صد بار لعن و صد بار سلام و

بعد از آن دعای علقمه را می خواند. او به مدت چهل روز پی در پی این کار را کرد ولی هیچ خبری از سهم ها به ما ندادند، پدرم نیز خواندن زیارت را قطع نمود، تقریباً روز پنجشنبه خواهرم که بالغ بر یازده سال بود در خواب دید: چهار مرد و یک زن علویّه که در میان آنها بود از مقابل یک دکان نانوايي گذشتند، و به خواهرم سلام کردند و گفتند: به پدرت بگو سهم ها به او مسترد می شوند اما باید به عهدش وفا کند. از این خواب مدتی گذشت ، سارق خواسته بود مقداری از سهم ها را در بازار بفروشد و همانطور که می دانید هر سهمی شماره ای دارد و چون روزنامه ها از قبل شماره های به سرقت رفته سهم ها را منتشر کرده بودند مشتری سهم ها به وسیله این شماره ها فهمیده بود که مالک اصلی این سهم ها سید رضا غرضی است و فروشنده همان شخصی است که به

مدت شش ماه محکوم به حبس شده ، بعد از آن او را
مجبور کردند تا بقیه سهم ها را نیز تحویل دهد.
توسّل به زیارت عاشورا و آسان شدن مسأله ازدواج
:یکی از خطبا و وعّاظ می نویسد

قبل از چند سال یک دوست جوان و مؤمن نزد من
آمد و حاجت حل نشده ای را مطرح کرد، او گفت :
چندی قبل قصد ازدواج کردم ، لیکن هر بار با
مشکلات و سختیهایی مواجه شدم . به او گفتم : چون
شما نزد کسانی رفته ای که در شأن و مقامت
نیستند.

گفت : چنین نیست ، و اگر باور نمی کنید شما برایم
پا پیش گذار و از یک خانواده در شأن و مقام من
. برایم خواستگاری کن

نزد دوستم رفتم که مطمئن بودم به من پاسخ مثبت
می دهد، از او دخترش را برای این جوان مؤمن من
خواستم ، در ابتدا موافقت کرد، و بعد از مدتی گفت :

می خواهم استخاره کنم ، و متأ سفانه پاسخ منفی داد
این ماجرا مرا بسیار اندوهگین کرد، و دوستم به من
گفت : دیدی حق با من بود؟ به او گفتم : خودت را
ناراحت نکن ، برای برطرف شدن مشکلات بعد از
ادای نماز صبح و تعقیبات آن زیارت عاشورا را با صد
. بار لعن و صد بار سلام بخوان

شروع به خواندن زیارت کرد، در روز بیست و هفتم
خوشحال نزد من آمد و گفت : نزد یکی از خانواده ها
رفتم ، و موافقت کردند. آنها و من در نهایت رضایت
به سر می بریم و امروز عصر مراسم خواستگاری
برگزار می شود، می خواهم شما یکی از شاهدان آن
باشید. به او گفتم : پس سیزده روز باقی مانده را
فراموش نکن ، شما زندگی مشترک خود را به برکت
زیارت عاشورا آغاز کردی ، و در هر زمانی که با
مشکلی در زندگی مواجه شدی برای برطرف شدن

آن به زیارت عاشورا متوسل شو، انشاءالله حاجت تو
بر آورده شود.

خبر غیبی از ترک زیارت عاشورا

در ماه صفر سال ۱۴۰۹ ه به شهر شیراز رفتم و در
خانه حاج مسیح ... اقامت گزیدم ، او مرا مطلع کرد
که : در طی سی سال من همیشه زیارت عاشورا را می
خوانم و دختری متأهل در شهر دزفول دارم برایم
نوشته که منزلی در شیراز برای او بخرم ، ولی موفق
به این کار نشدم ، بسیار متأثر و غمگین شدم ؛ زیرا
. نتوانستم خواسته اش را بر آورده کنم

در روز تولد امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در
یکی از منازل که در آن مراسم دعا و توسل بر پا بود
. بسیار گریستم و حاجت خود را عرضه داشتم

پس از چند روز، خواهرم نزد ما آمد و به من گفت :

مردی را دیدم زمین هایی را تقسیم می کند، و به
قیمت مناسب می فروشد، من نیز برای شما قطعه

. زمینی را خریدم

مشغول ساختن آن شدم ، و خواندن زیارت عاشورا را

. فراموش نمودم

در یکی از روزها، صبح زود، دخترم تلفنی با من

تماس گرفت و گفت : خواندن زیارت عاشورا را

ترک کردی ؟ گفتم : چطور؟

گفت : در عالم خواب امام و سرور آزادگان علیه

السلام را در صحن و یا در حرم دیدم ، در شکوه و

عظمتی وصف ناشدنی داشت و اطرافش اشخاص

بسیاری با جاه و جلال بودند، پرسیدم : اینان کیستند؟

گفتند: اینان دوستدار پیشوای سرور آزادگان علیه

السلام هستند، به دنبال شما در میان آنها جستجو

کردم ولی شما را نیافتم گفتم : پدرم علاقه شدیدی به

امام حسین علیه السلام دارد و دایم زیارت عاشورا را

می خواند چرا او را در بین شماها نمی بینم ؟ گفتند:

از چند روز قبل ارتباطش با ما قطع شده ، ولی دوباره
ارتباطش با ما برقرار می شود

شرکت حضرت زهرا علیها السلام در مجالس زیارت
عاشورا

خانم علویه ای می گوید: برای زیارت به آرامگاه
حضرت زینب ، و حضرت رقیه علیهماالسلام مشرف
شدم ، شیفته زیارت سرور شهیدان شدم ، مشغول
خواندن زیارت عاشورا بودم و با حالت روحی خاصی
می گریستم ، یک بار وقتی مشغول خواندن و
گریستن بودم ، دیدم گویی دریچه ای برایم گشوده
شد و به عالم آخرت پا گذاشتم ، در آن حالت بیدار
بودم ، ولی شاهد آن واقعه بودم ، مانند آن که آن را
: در عالم خواب دیده باشم

عده ای از زنان را به همراه مادرم دیدم ، و در این اثنا
بانویی بلند قامت با ظاهری محترم آمد؛ زنان گرد او
را فرا گرفتند، هر یک از آنها حاجت و مشککش را به

وی عرضه می داشت ، من نیز حاجتم را به او عرضه
داشتم ، سپس به او گفتم : چرا به مجلس عزاداری ما
که در آن زیارت عاشورا را می خوانیم نمی آیی ؟
ایشان فرمود: من در مجلس شما شرکت می کنم ،
نشانه و دلیل را به من داد. ایشان فرمود: پسر خاله تو
و همسرش در مجلس شما حاضر شدند، و برای
برطرف شدن حاجتشان نذر کردند که در حضور
یافتن در مجلس زیارت عاشورا و خواندن آن نزد
شما تدام داشته باشند. به وسیله خواندن زیارت
عاشورا حاجتشان بر آورده شد و منزل جدیدی
ساختند، بعد از آن در جلسه های خواندن زیارت
عاشورا حاضر نشدند و آن را نمی خوانند
و من مؤلف صاحب نذر را می شناسم ، داستان را با
همه تفصیل آن برای او بازگو کردم ، رنگش تغییر
نمود و گریست ، به همسرش گفت : گوش کن چه
می گوید و از کجا خبر می دهد؟! مرد بسیار متأسف

و اندوهگین شد، گفت : اینها که گفתי درست است ،
ما را مشکلات دنیا فرصتی نمی دهد تا نذرمان را ادا
کنیم .

بچه دار شدن زن عقیم با زیارت عاشورا

در سفر به شهر یزد برای به دست آوردن نسخه ای
شرح دار برای زیارت عاشورا در کتابخانه مرحوم
وزیری با جناب شیخ علی اکبر سعیدی پیشنهاد
مسجد طهماسب که شیخی است صالح ، باقار، و از
همنشینان شیخ غلامرضا یزدی ، کسی که برای امرار
معاش از دسترنج خویش کسب روزی می
نماید ملاقات کردم .

به من گفت : مرحوم حاج ابوالقاسم با دختری
زرتشتی پس از مسلمان شدن ازدواج کرد ولی
فرزندى به دنیا نمی آورد، بعد از بیست سال به او
خواندن زیارت عاشورا را آموختند. آن را چهل روز
همراه با صد بار لعن و صد بار سلام و دعای علقمه

خواند. پس از آن خداوند بر او منت نهاد و او را
عنایت فرمود ((پسر)) فرزندی
فرمایش عارف سالک و مرجع تقلید بزرگ آیت الله
العظمی بهجت درباره زیارت عاشورا

در روز جمعه مصادف با ۲۶ ذی قعدة سال ۱۴۱۲
نزد آیت الله بهجت رفتم و از ایشان خواستم برای
من از زیارت عاشورا بگوید البته قبلاً می دانستم او
همیشه زیارت عاشورا را می خواند برای ایشان
توضیح دادم که من می خواهم مجموعه ای از
داستانهای کسانی که زیارت عاشورا را خواندند و به
صورتی شگفت به حاجت خود دست یافتند را جمع
. آوری کرده و چاپ نمایم

ایشان فرمود: مضمون زیارت عاشورا گواه و روشن
کننده عظمت آن است ، مخصوصاً وقتی آنچه در سند
زیارت از صفوان از امام صادق علیه السلام روایت
شده را ملاحظه می کنیم که گفته شده : زیارت

عاشورا را بخوان و در خواندن آن استمرار داشته باش ، من به خواننده آن چند چیز را تضمین می کنم :

1. زیارت وی پذیرفته می شود

2. تلاش ایشان مورد سپاس قرار می گیرد

3. سلام او بدون مانعی به امام علیه السلام می رسد، و حاجت وی از جانب خداوند متعال بر آورده می شود و با دست خالی باز نخواهد گشت . ای صفوان ! این را با ضمانتی از پدرم ، و پدرم از امیرالمؤمنین علیه السلام و امیرالمؤمنین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و رسول خدا از جبرئیل و جبرئیل از خداوند عز و جل دریافت نموده ، هر یک از آنها این زیارت را با این ضمانت تضمین نمودند، و به قداست خداوند سوگند، هر کس امام حسین علیه السلام را با این زیارت از نزدیک و یا از دور زیارت کند، حاجتش هر چه باشد بر آورده می شود.

در سندها آمده زیارت عاشورا از حدیث های قدسی
است ، برای همین با وجود فراوانی کارهای علمی
موجود نزد علما و اساتیدمان آنها همیشه مراقب
:خواندن زیارت عاشورا بودند، از جمله آنها
آیت الله العظمی شیخ محمد حسین اصفهانی صاحب
تألیفات متعدد از خداوند متعال می خواست کلمات
پایانی عمرش خواندن زیارت عاشورا باشد، و پس از
آن به سوی باری تعالی بشتابد. و خداوند دعای وی را
اجابت نمود، و پس از اتمام خواندن زیارت عاشورا
روحش به ملکوت اعلی شتافت و روحش قرین
رحمت و محشور با اولیای خدا شد
آیت الله شیخ صدرای بادکوبه ای با دانش فراوانی
که داشت مقید به خواندن زیارت عاشورا بود
یکی از بزرگان گوید: ... یکی از روزها به وادی
السلام و به مقام امام مهدی علیه السلام رفتم ، آنجا
مرد پیری را با چهره ای نورانی دیدم ، مشغول

خواندن زیارت عاشورا بود و چنین به نظر می رسید
که زائر است ، وقتی نزدیک او رفتم ، تصویری در
برابرم نمایان شد گویی پرده حجاب را برای من کنار
زدند حرم امام حسین علیه السلام را دیدم که زائرین
مشغول به عبادت و زیارت بودند. از آنچه دیدم
تعجب کردم ، اندکی به عقب رفتم ، و به حالت
طبیعی باز گشتم ، بار دیگر نزدیک او شدم ، همان
حالت اول برای من نمایان شد. این حالت چندین بار
.برایم تکرار شد

صبح روز بعد، به مکانی که زائران برای زیارت در
آن سکنی می کنند رفتم تا از محضرش استفاده کنم
و از حال و محل او سؤال کردم گفتند: آن شخص
برای زیارت آمده بود و امروز اثاثیه و وسایلش را
جمع کرد و از اینجا رفت

از زیارت او ناامید نشدم ، به وادی السلام رفتم تا
شاید او را بیابم ، آنجا با شخصی ملاقات کردم که

امور غیبی عجیبی را برایم متذکر می شد و بعضی از
مسایل را روشن می نمود بدون آنکه سؤال کنم ؛ به
. من گفت : زائری را که در پی او هستی رفته است
بزرگ فقها و مجتهدین آیت الله شیخ مرتضی
انصاری همیشه زیارت عاشورا و صد بار لعن و صد
بار سلام آن را حرم مولی الموحیدین امیرالمؤمنین
علیه السلام می خواند و با تداوم در خواندن آن
زبانش در خواندن بسیار سریع بود زیارت را همراه با
لعن و سلام تقریباً نیم ساعت و یا چند دقیقه بیشتر به
پایان می رسانید، و اگر کسی تداوم او را در خواندن
زیارت عاشورا می دید می گفت : او مشغول مسایل
اصولی و فقهی نمی باشد، و با ملاحظه تحقیقاتش در
مسایل علمی و نظریات ظریفش در فقه و اصول می
. گفت : او اهل خواندن زیارت عاشورا و... نیست

مداومت بر قرائت زیارت عاشورا

بکوش تا خیر دنیا و آخرت را در خواندن مستمر
زیارت عاشورا به دست آوری که اول صبح هر روز
فضیلت خواندن آن می باشد. در حالات شهید
محراب آیت الله اشرفی اصفهانی نقل شده است که
۶۰ سال مستمر هر صبح پس از نماز به قرائت آن
می پرداخته است. اگر هر روز نمی توانی برنامه ای
تنظیم کن که هفته ای سه بار آن را بخوانی. و بعد که
بدان عادت کردی کم کم آن را در روزهای دیگر هم
بخوان باشد تا ان شا الله با امام حسین علیه السلام
. محشور گردی

در فضیلت زیارت عاشورا همین بس که از سنخ سایر
زیارات نیست که به ظاهر از انشاء و املائی معصومی
باشد (هر چند که از قلوب مطهر ایشان چیزی جز
آنچه از عالم بالا به آنجا برسد بیرون نیاید) بلکه از
سنخ احادیث قدسیه است که به همین ترتیب از
زیارت و لعن و سلام و دعا از حضرت احدیت به

جبرئیل امین و از او به خاتم النبیین رسیده و به
حسب تجربه ، مداومت آن در چهل روز یا کمتر، در
بر آورده شدن حاجات و نیل به مقاصد و دفع دشمنان
. بی نظیر است

صفوان می گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود:
مواظب باش بر این زیارت (عاشورا) پس به درستی
که من ضامن قبولی زیارت کسی هستم که از دور و
نزدیک این زیارت را بخواند و سعی او مشکور باشد
و سلام او به آن حضرت برسد و محجوب نماند و
حاجت او از طرف خدا بر آورده و به هر چه که
.خواهد برسد و خدا او را نومید بر نگرداند

ای صفوان ! این زیارت را به این ضمان یافتم از پدرم
و او از پدرش ... و او از امیرالمؤمنین و او از رسول
خدا و او از جبرئیل و او از خدای تعالی نقل نمودند که
خداوند عزوجل به ذات مقدس خود قسم فرموده که
هر کس حسین علیه السلام را به این زیارت از دور و

نزدیک زیارت کند، زیارت او را قبول می کنم و خواهش او را می پذیرم ، به هر قدر که باشد و خواسته او را بر می آورم پس ، از حضور من نومید بر نمی گردد و او را با چشم روشن و حاجت بر آورده شده و فوز جنت و آزادی از دوزخ بر می گردانم و شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند می پذیرم . (جز در مورد دشمن ما اهل بیت)

ترک نشدن زیارت عاشورا از امام خمینی

: حجة الاسلام والمسلمین غیوری نقل می کند که زیارت عاشورای امام خمینی ترک نمی شد. اخیراً هم یک صحبتی که خود من با ایشان داشتم که من و ایشان بودیم . البته ایشان تصریح نفرمودند ولی من متوجه شدم زیارت عاشورای ایشان ترک نمی شود. زیارت عاشورا با آن صد لعن و صد سلامش را ترک نمی کنند.

روز اول محرم در نوفل لوشاتو مصادف بود با اولین شبی که مردم ایران در پشت بامها تکبیر می گفتند. همان شب شخصی از تهران تلفن زد و گفت گوشی را می گذارم کنار پنجره تا صدای تکبیر مردم را که با گلوله مخلوط شده بود ضبط کرده به خدمت امام بر دم. امام در داخل اتاق، تسبیح به دست در حال ایستاده مشغول ذکر بودند و زیارت عاشورا می خواندند. در حالی که ما متوجه مسائل ماه محرم نبودیم ایشان در سرزمینی زیارت عاشورا را می خواندند که شاید برای اولین بار در آنجا خوانده می شد.

اهمیت زیارت عاشورا

فقیه زاهد عادل مرحوم شیخ جواد بن شیخ مشکور عرب که از اجله علما و فقهای نجف اشرف و مرجع تقلید جمعی از شیعیان عراق بوده و نیز از ائمه جماعت صحن مطهر بوده است در سال ۱۳۳۷ در

حدود نود سالگی وفات نموده و در جوار پدرش و در
یکی از حجره های صحن مطهر مدفون گردید
آن مرحوم در شب ۲۶ ماه صفر ۱۳۳۶ در نجف
اشرف در خواب حضرت عزرائیل ملک الموت را می
بیند، پس از سلام از او می پرسد از کجا می آیی ؟ می
فرماید از شیراز و روح میرزا ابراهیم محلاتی را قبض
کردم .

:شیخ می پرسد

روح او در برزخ در چه حالی است ؟

:می فرماید

در بهترین حالات و در بهترین باغهای عالم برزخ و
خداوند هزار ملک موکل او کرده است که فرمان او
را می برند. گفتم برای چه عملی از اعمال به چنین
مقامی رسیده است ؟ آیا برای مقام علمی و تدریس و
تربیت شاگرد؟
. فرمود: نه

گفتم : برای نماز جماعت و رساندن احکام به مردم ؟
 . فرمود: نه

گفتم : پس برای چه ؟

فرمود: برای خواندن زیارت عاشورا (مرحوم میرزای محلاتی سی سال آخر عمرش زیارت عاشورا را ترک نکرد و هر روز که به سبب بیماری یا امر دیگر نمی توانست بخواند نایب می گرفته است)

و چون شیخ مرحوم از خواب بیدار می شود فردا به منزل آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی می رود و خواب خود را برای ایشان نقل می کند .
مرحوم میرزا محمد تقی گریه می کند، از ایشان سبب : گریه را می پرسند می فرماید

میرزای محلاتی از دنیا رفت و استوانه فقه بود. به ایشان گفتند: شیخ خوابی دیده و واقعیت آن معلوم نیست . میرزا می فرماید: بلی خواب است اما خواب شیخ مشکور است نه افراد عادی . فردای آن روز

تلگراف فوت میرزای محلاتی از شیراز به نجف
اشرف می رسد و صدق رؤیای شیخ مشکور آشکار
می گردد.

این داستان را جمعی از فضلاء نجف اشرف که از
مرحوم آیت الله سید عبدالهادی شیرازی شنیده
بودند که ایشان در منزل مرحوم میرزا محمد تقی
هنگام ورود شیخ مرحوم و نقل رؤیای خود حاضر
بودند نقل کردند و نیز دانشمند گرامی جناب حاج
صدر الدین محلاتی فرزند زاده آن مرحوم از شیخ
مرحوم ، این داستان را شنیده اند

دیدار امام حسین علیه السلام از قبرستان و عنایت آن

حضرت به اهل قبرستان به خاطر زیارت عاشورا

حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج نظام الدینی

اصفهانی رحمه الله علیه نوشته اند: روزی منزل حاج
عبدالغفور (یکی از حاجی های موجه و ملازم آیه الله
حاج سید محمد تقی فقیه احمد آبادی صاحب کتاب

شریف مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه
السلام

بودم ، یکی از رفقای ایشان به نام حاج سید یحیی
مشهور به پنبه کار گفت : برادرم را که مدتی بود
فوت نموده در خواب دیدم با وضع و لباس خوبی که
. موجب شگفتی بود

گفتم : داداش دیگر آن دنیا کلاه چه کسی را
برداشتی ؟

. گفت : من کلاه کسی را بر نداشتم
گفتم : من تو را می شناسم این لباس و این موقعیت
. از آن تو نیست

گفت : آری دیشب شب اول قبر مادر قبر کن بود آقا
سیدالشهدا به دیدن آن زن تشریف آوردند و
فرمودند: به کسانی که اطراف آن قبر بودند خلعت
ببخشند و من هم از آن عنایات بهره مند شدم بدین
جهت از دیشب وضع و حال ما خوب شده و این لباس

. فاخر را پوشیده ام

از خواب بیدار شدم نزدیک اذان صبح بود، کارهای
خود را انجام داده و حرکت کردم برای تخت فولاد
(قبرستان تاریخی و با عظمت اصفهان) برای
تحقیقات سر قبر برادرم رفتم، بعضی قرآن خوانها
کنار قبرها قرآن می خواندند، از قبرهای تازه پرسش
کردم، قبر مادر قبرکن را معرفی کردند، گفتم: کی
دفن شده؟ گفتند: دیشب شب اول قبر او بوده.
متوجه شدم تاریخ با گفته برادرم در خواب مطابق
است.

رفتم نزد آقای قبر کن در تکیه مرحوم آیه الله آقا
میرزا ابوالمعالی (استاد مرحوم آیه الله العظمی
بروجردی و صاحب کرامات عجیبه) که محاذی قبر
آن زن بود، احوالپرسی نمودم و از فوت مادرش سؤال
ال کردم، گفت: دیشب اول قبر او بود

گفتم : روضه خوانی می کرد؟ روضه خوان بود؟ کربلا
: مشرف شده بود؟ گفت

عنايات غيبی و فراهم شدن وسیله برای خواندن
زیارت عاشورا

آقای حاج ... مردی صالح که من او را در نائین
ملاقات کردم و اهل توسل بود و حالت خوبی داشت و
هر وقت با او برخورد کردیم جلسه ما یکپارچه توسل
و گریه می شد و می گفت : چرا شما آقایان اهل علم
کمتر به زیارت عاشورا توجه می کنید؟! می گفت :
من هر روز صبح مقیدم زیارت عاشورا را بخوانم .
سالی در سفر مشهد از راه کناره می رفتم ماشین
برای نماز نگه داشت من مفاتیح همراه نداشتم
ناراحت شدم که امروز زیارت عاشورا از من ترک می
شود یک وقت نگاه کردم جلوی من پرده ای نمایان
شد روی آن زیارت عاشورا نوشته شده بود خیلی

خوشحال شدم و زیارت عاشورا را خواندم . موقع نقل
این واقعه گریه می کرد و می گفت چه بگویم^{۱۸}

متن زیارت عاشوراء

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِبْنَ رَسُوْلِ
اللّٰهِ

(السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَیْرَةَ اللّٰهِ وَ اِبْنَ خَیْرَتِهِ) السَّلَامُ عَلَیْكَ
يَا اِبْنَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ اِبْنَ سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ ، السَّلَامُ
عَلَیْكَ يَا اِبْنَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةَ نَسَاءِ الْعَالَمِیْنَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ
يَا ثَارَ اللّٰهِ وَ اِبْنَ ثَارِهِ وَ الْوَتَرَ الْمُوْتُوْرَ ؛ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ
عَلَى الْاُرُوَاحِ الَّتِیْ حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَیْكُمْ مِنْیْ جَمِیْعًا سَلَامُ
اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ

يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّهُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ
الْمُصِیْبَةُ بِكَ (بِكُمْ) عَلَیْنَا وَ عَلَى جَمِیْعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ وَ
جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ مُصِیْبَتُكَ فِی السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِیْعِ اَهْلِ
السَّمَاوَاتِ ، فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اُسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَ
الْجَوْرِ عَلَیْكُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ

مَقَامُكُمْ وَ أَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا ، وَ
لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَ

لَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى
اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ (مِنْ) أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ
أَوْلِيَائِهِمْ .

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ
حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ لَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ
مَرْوَانَ وَ لَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَ لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ
مَرْجَانَةَ وَ لَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ لَعَنَ اللَّهُ شَمْرًا
(شَمْرًا) وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ
لِقِتَالِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي ، لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ فَأَسْأَلُ
اللَّهِ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي (بِكَ) أَنْ

يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ
إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى
الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ وَ بِالْبِرَاءَةِ (مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَ
نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَ بِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ
وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَ أَبرَأُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ) مِمَّنْ
أَسَّسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَ بَنَى عَلَيْهِ

بُيَّاتُهُ وَ جَرَى فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَشْيَاعِكُمْ
بَرْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ
إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُؤَالَاهُ وَلِيِّكُمْ وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ
أَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ
أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتَبَاعِهِمْ ، إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ
لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ ،
فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي

بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَ رَزَقْنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ
أَعْدَائِكُمْ ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ
يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صَدَقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ
أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي
طَلَبَ ثَارِي (ثَارِكُمْ) مَعَ إِمَامٍ هُدًى (مَهْدًى) ظَاهِرٍ نَاطِقٍ
بِالْحَقِّ مِنْكُمْ

وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ
يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَابًا بِمُصِيبَتِهِ
مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ فِي
جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ (الْأَرْضِينَ) ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي
مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَ رَحْمَةُ وَ مَغْفِرَةٌ ،
اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي
مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا

يَوْمٌ تَبَرَّكَتَ بِهِ (فِيهِ) بَنُو أُمِّيَّةٍ وَ ابْنُ آكَلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ
ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى (لِسَانِكَ) وَ لِسَانِ نَبِيِّكَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَآلِهِ) فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيِّكَ (صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ، اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ
 يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَ هَذَا
 يَوْمٌ فَرَحْتُ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَ آلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ (عَلَيْهِ)

السَّلَامُ) اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَ الْعَذَابَ
 (الْأَلِيمَ) اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي
 مَوْقِفِي هَذَا وَ أَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ
 وَ بِالْمَوَالَةِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ (عَلَيْهِ وَ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

: پس می گوئی صد مرتبه

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
 آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ * اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعَصَابَةَ الَّتِي
 (الَّذِينَ) جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ
 عَلَى قَتْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً

: پس می گویی صد مرتبه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ
بِفَنَائِكَ * عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ
الَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ
* السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (وَ عَلَى
أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ) وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

: پس می گویی

اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ أَبَدًا بِهِ أَوَّلًا ثُمَّ
(الْعَنِ) الثَّانِي وَ الثَّلَاثَ وَ الرَّابِعَ * اللَّهُمَّ الْعَنِ يَزِيدَ
خَامِسًا وَ الْعَنِ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ وَ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَ عُمَرَ
بْنَ سَعْدٍ وَ شِمْرًا وَ آلَ أَبِي سُفْيَانَ وَ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ
مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

: پس به سجده می روی و می گویی

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ
الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي * اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ
الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَ ثَبَّتْ لِي قَدَمَ صَدَقٍ عِنْدَكَ مَعَ
الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَذَلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام

ترجمه فارسی زیارت عاشورا

((سلام بر تو ای ابا عبد الله سلام بر تو ای فرزند

رسول خدا

سلام بر تو ای فرزند امیر المؤمنین و ای فرزند سید

اوصیاء

سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء سیده زنان اهل

عالم

سلام بر تو ای کسی که از خون پاک تو و پدر
بزرگوارت خدا انتقام می‌کشد و از ظلم و ستم وارد بر
. تو دادخواهی می‌کند

سلام بر تو و بر ارواح پاکی که در حرم مطهرت با تو
مدفون شدند بر جمیع شما تا ابد از من درود و تحیت
و سلام خدا باد تا من هستم و لیل و نهار در جهان
. برقرار است

ای ابا عبد الله همانا تعزیتت بزرگ و مصیبتت در
جهان بر ما شیعیان و تمام اهل اسلام سخت و عظیم و
ناگوار و دشوار بود و تحمل آن مصیبت بزرگ در
آسمانها بر جمیع اهل سموات سخت و دشوار بود ،
پس خدا لعنت کند امتی که اساس ظلم و ستم را بر
شما اهل بیت رسول بنیاد کردند ؛ و خدا لعنت کند
امتی را که شما را از مقام و مرتبه (خلافت) خود منع
کردند و رتبه ای که خدا مخصوص به شما گردانیده

بود از شما گرفتند ؛ خدا لعنت کند امتی را که شما را
مقتول ساختند و خدا لعنت کند آن مردمی را که از
امرای ظلم و جور برای قتال با شما تمکین و اطاعت
کردند .

من بسوی خدا و بسوی شما از آن ظالمان و شیعیان
. آنها و پیروان و دوستانشان بیزاری می جویم

ای ابا عبد الله من تا قیامت سلم و صلح با هر که با
شما صلح است و در جنگ و جهاد با هر که با شما
. در جنگ است تا روز قیامت

خدا لعنت کند آل زیاد بن ابی سفیان و آل مروان
حکم را و خدا لعنت کند بنی امیه را بالتمام و لعنت
کند پسر مرجانه را و لعنت کند عمر سعد را و خدا
لعنت کند شمر را و خدا لعنت کند گروهی را که
اسبها را برای جنگ با حضرتت زین و لگام کردند و
برای جنگ با تو مهیا گشتند پدر و مادرم فدای تو باد

؛ تحمل مصیبت بر من بواسطه ظلمی که بر شما رفت
سخت دشوار است پس از خدایی که مقام تو را بلند و
گرامی داشت و مرا هم بواسطه دوستی تو عزت
بخشید ؛ از او درخواست می کنم که روزی من
گرداند تا با امام منصور از اهل بیت محمد صلی الله
علیه و آله خون خواه تو باشم

پروردگارا مرا بواسطه حضرت حسین علیه السلام
. نزد خود در دو عالم وجیه و آبرومند گردان

ای ابا عبد الله من به درگاه خدا تقرب می جویم و به
درگاه رسولش و به نزد حضرت امیر المؤمنین و
حضرت فاطمه و حضرت حسن و به حضرت تو قرب
می طلبم بواسطه محبت و دوستی تو و ییزاری از
کسانی که اساس و پایه ظلم و بیداد را بر شما بنا
نهادند و ییزارم از پیروان آنها و به درگاه خدا و نزد
شما اولیاء خدا از آن مردم ستمکار ظالم ییزاری می

جویم ؛ و اول به درگاه خدا سپس نزد شما تقرب می
جویم به سبب دوستی شما و دوستی دوستان شما ؛ و
به سبب بیزاری جستن از دشمنان شما و بیزاری از
مردمی که با شما به جنگ و مخالفت برخاستند و از
شیعیان و پیروان آنها هم بیزاری می

• جویم

من سلم و صلحم با هر کس که با شما صلح است و
در جنگ و مخالفتم با هر کس که با شما به جنگ
است و دوستم با دوستان شما و دشمنم با دشمنان
شما ؛ پس از کرم حق درخواست می کنم که به
معرفت شما و دوستان شما مرا گرامی سازد و همیشه
بیزاری از دشمنان شما را روزی من فرماید ؛ و مرا در
دنیا و آخرت با شما قرار دهد و در دو عالم به مقام
صدق و صفای با شما مرا ثابت بدار ؛ و باز از خدا
درخواست می کنم که به مقام محمودی که خاص شما

است مرا برساند ؛ و مرا نصیب کند که در رکاب امام
زمان شما اهل بیت که هادی و ظاهر شونده ناطق به
حق است خون خواه باشم

و از خدا به حق شما و به شأن و مقام تقرب شما نزد
خدا درخواست میکنم که ثواب غم و حزن و اندوه
مرا بواسطه مصیبت بزرگ شما بهترین ثوابی که به
هر مصیبت زده ای عطا میکند به من آن ثواب را عطا
فرماید ؛ و مصیبت شما آل محمد در عالم اسلام بلکه
در تمام عالم سماوات و ارض چقدر بزرگ بود و بر
. عزادارانش تا چه حد سخت و ناگوار گذشت

پروردگارا مرا در این مقام که هستم از آنان قرار ده
. که درود و رحمت و مغفرتت شامل حال آنهاست

پروردگارا مرا به آیین محمد و آل اطهارش زنده بدار
. و گاه رحلت هم به آن آیین بمیران

پروردگارا این روز روزی است که بنی امیه و پسر
جگر خوار و یزید پلید لعین پسر معاویه ملعون در
زبان تو و زبان رسول تو صلی الله علیه و آله در هر
مسکن و منزل که رسول تو توقف داشت صلی الله
. علیه و آله

پروردگارا لعنت فرست بر ابی سفیان و بر پسرش
معاویه و پسرش یزید پلید بر همه آنان لعن ابدی
فرست

و این روز روزیست که آل زیاد بن ابیه لعین و آل
مروان بن حکم خبیث بواسطه قتل حضرت حسین
صلوات الله علیه شادان بودند

پروردگارا تو لعن و عذاب الیم آنان را چندین برابر
گردان

پروردگارا من به تو در این روز و در این مکان و در
تمام دوران زندگانی به بیزاری جستن و لعن بر آن
ظالمان و دشمنی آنها و به دوستی پیغمبر و آل اطهار
او صلوات الله علیهم اجمعین تقرب می جویم

پروردگارا تو لعنت فرست بر اول ظالمی که در حق
محمد (ص) و آل پاکش ظلم و ستم کرد و آخرین
ظالمی که از آن ظالم نخستین در ظلم تبعیت کرد

پروردگارا تو بر جماعتی که بر علیه حسین (ع) به
جنگ برخاستند لعنت فرست و بر شیعیانشان و بر
هر که با آنان بیعت کرد و از آنها پیروی کرد
پروردگارا بر همه لعنت فرست

سلام بر تو ای ابا عبد الله و بر ارواح پاکی که در جوار
و حریم تو در آمدند

سلام خدا از من بر تو باد الی الأبد مادامی که لیل و
نهار باقی است و خدا این زیارت مرا آخرین عهد با
. حضرتت قرار ندهد

سلام بر حسین (ع) و بر علی بن الحسین (ع) و بر
فرزندان حسین و بر اصحاب حسین (ع)

پروردگارا تو لعن مرا مخصوص گردان به اولین
شخص ظالم و اول در حق اولین ظالم و آنگاه در حق
دومین و سومین و چهارمین

پروردگارا و آنگاه لعنت فرست بر یزید پنجم آن
ظالمان - و باز لعنت فرست بر عبید الله بن زیاد پسر
مرجانه و عمر سعد و شمر و آل ابی سفیان و آل زیاد
. و آل مروان تا روز قیامت

خدایا تو را ستایش می کنم به ستایش شکر گزاران
تو بر غم و اندوهی که به من در مصیبت رسید حمد
. خدا را بر عزا داری و اندوه و غم بزرگ من

پروردگارا شفاعت حسین (ع) را روزی که بر تو وارد
می شوم نصیبم بگردان

و مرا نزد خود ثابت قدم بدار به صدق و صفا با
حضرت حسین (ع) و اصحابش که در راه خدا
. جانشان را نزد حسین (ع) فدا کردند باشیم)).

اگر انسان هر روز این عبارات را از جان و دل تکرار
کند و اعمالش نیز بر صدق نیتش گواه باشد و از خدا
بخواهد تا او را از یاران حضرت مهدی علیه السلام در
انتقام گرفتن از جنایت کنندگان کربلا قرار دهد،
همین خواندن مکرر، اثر اعتقادی فوق العاده ای در
قلب او می گذارد، و او را قلباً و عملاً آماده چنین

توفیقی می گرداند. بنابراین کسی که نهایت
آرزویش، یاری کردن امام زمان علیه السلام از طریق
یاری سیدالشهدا علیه السلام است، باید خود را به
خواندن این زیارت شریف مقید کند و ضمناً بکوشد
مضامین و محتوای آن را - به لطف خدای عزوجل و با
توسّل به اهل بیت علیهم السلام - در خود عملی
سازد.

فضیلت این زیارت شریف وقتی ارزشمندتر می شود
که زائر به نیابت از امام زمانش و برای دعا در تعجیل
فرج ایشان، آن را در سراسر عمر خود بخواند. از
خدای تعالی می خواهیم که همه دوستداران امام عصر
علیه السلام را موقّق به این عبادت بزرگ بگرداند.

پایان

منابع

مفاتیح الجنان

۱کامل الزیارات-ابن قولویه

بحار الانوار-جلد -علامه مجلسی ۹۸

نجم الثاقب-محدث نوری

طرحی نو از زیارت عاشورا- اسماعیل کاظمی زرومی

حکایاتی از عنایات حسینی- منصور حسین زاده گلباف

کرامات الحسینیه، علی میر خلف زاده

داستانهای شگفت انگیز از زیارت عاشورا و تربت^۱
سید الشهداء علیه السلام-نویسنده : حیدر قنبری

ماهنامه موعود

و سایتهای اینترنتی